

او ضاع سیا، ند بب
کیلان

معلم اقلایی در طول تاریخ رنگ های گوناگون بر سیاست این کشور داشتند و با آنها فکرند.

رنگ ایران

مالفیسه مطالعات مبارزات اسلامی کیلان
شہید مظلوم

حاج شیخ ابوالحسن کرمی

محمد جواد کرمی
تحقیق و توضیح

فریاد
مظلوم

اوپر اسیا-مذہبی



موسسه مطالعات مبارزات اسلامی گیلان

W W W . r a n g e i m a n . i r

اثر:

شہید حاج شیخ ابوالحسن کریمی

تحقیق و توضیح: محمد جواد کریمی

شناسنامه کتاب

نام کتاب:	اوپنای سیاسی - مذهبی گیلان
مؤلف:	شهید حاج شیخ ابوالحسن کریمی
تحقيق و توضیح:	محمدجواد کریمی
نوبت چاپ:	اول - پائیز ۷۶
قطع:	موسیه مطالعات مبارزه ایل رفعتی
چاپ:	بهمن
تیراژ:	۲۰۰۰ جلد
ناشر:	شهریار - قم - ۷۴۳۱۷
حق چاپ محفوظ است	
طبع نامه مسند و معتبر رقیقت	

فهرست

کشوار پهلوان بر سیاست این کشور افکند: اما (دنی کیل) ۵

قدیم به: ۶

نهرست مطالب ۸

مقدمه ۱۲

استان گیلان و آفاق فرهنگی و اعتمادی آن ۱۷

تلاش دشمنان انقلاب اسلامی برای انحراف ایدئولوژیک انقلاب ۲۰

پیروزی انقلاب اسلامی و تشدید مواضع منفی گروههای ضد اسلامی ۲۳

سوء استفاده گروهکها از ساده اندیشان ۲۸

تعویض استاندار و اقامه تحربیات ضد انقلابیون ۳۰

اجرا و جگونه امیدها به یاری گرانیلی ۳۴

تسامح و عدم قاطعیت دادسراه و دادگاههای انقلاب منطقه ۳۶

انتصاب دادستان کل انقلاب استان از سوی شهید آیت الله قدوسی ۴۱

دلایل ناکامی گروهکها ۴۵

خلع بنی صدر و شروع دور جدید ترورها و توطئه‌های ضد انقلابی ۴۵

گروهکها	۴۵
اقدامات جدید فرucht طلبان برای ترور شخصیت مسئولین انقلابی	۵۱
بازتابها و پیامدهای توقيق دو تن از قضات منطقه	۵۸
برخورد ناصواب و جانبدارانه نماینده اعزامی بازرگی کل کشور
پیشنهادات فهرست وار برای بازرگیها
کتابنامه	۷۰
ضمائمه	۷۶
پژوهیهای طبیعی استان گیلان	۷۸
.....	۷۸



تقدیم به:

به تمام شهدای اسلام و فضیلت؛
 خاصه بزرگ مظلوم عالم اسلام و انسان
 امیر المؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام
 و همه رهروان صادق آن امام همام در بستر
 جاری زمان که برای اعتلای ارزشهاي
 مقدس الهی به پا خاستند و در مسیر
 برافراشتن پرچم عدالت و حریت در سایه
 سار حکمت قرآنی و حاکمیت علوی با
 شجاعت و صلابت پای فشرندند و استقامت
 وزیریند تا سرانجام به «احدى الحسینین»
 (پیروزی یا شهادت) نائل آمدند.
 «طوبی لهم و حسن ماب»

رنگ ایمان

موسسه مطالعات مبارزات اسلامی گیلان
 www.rangeman.ir

خلع بنی صدر و شروع دور جدید فرست طلبان برای ترورها و
توطئه های ضد انقلابی گروهکها

اقدامات جدید فرست طلبان برای ترور شخصیت مسئولین انقلابی

برخورد ناصواب و جانبدارانه نماینده اعزامی بازرسی کل کشور
پیشنهادات فهرست وار برای بازرسیها

کتابنامه

ضمائیم

ایمان

سوء استفاده گروهکها از ساده اندیشه مطالعات مبارزات اسلامی گیلان

تعویض استاندارد و ادامه تحریکات ضد انقلابیون

چرا و چگونه امیدها به یاس گرایید؟

تسامح و عدم قاطعیت دادسرها و دادگاههای انقلاب منطقه

انتصاب دادستان کل انقلاب استان از سوی شهید آیت الله قدوسی

دلایل ناکامی گروهکها

فهرست مطالب

عنوان

مقدمه

استان گیلان و آفاق فرهنگی و اعتقادی آن

تلاش دشمنان انقلاب اسلامی برای انحراف ایدئولوژیک انقلاب

پیروزی انقلاب اسلامی و تشذیب مواضع منفی گروههای ضد

اسلامی

سوء استفاده گروهکها از ساده اندیشه مطالعات مبارزات اسلامی گیلان

تعویض استاندارد و ادامه تحریکات ضد انقلابیون

چرا و چگونه امیدها به یاس گرایید؟

تسامح و عدم قاطعیت دادسرها و دادگاههای انقلاب منطقه

انتصاب دادستان کل انقلاب استان از سوی شهید آیت الله قدوسی

دلایل ناکامی گروهکها

اسلامی است، تا بدین وسیله حقایق انقلاب بدون تحریف و تبدیل در اختیار پژوهشگران و تحلیلگران قرار گیرد.

از آنجاکه تاریخ انقلاب ما با تاریخ زندگانی معماران آن به سختی گره خورده است و از سوی دیگر در تحریر تاریخ انقلاب باید قبل از هر چیز به پای ساختان بایان آن یعنی دلاور مردانی نشست که در عصر شب برای نجات شرف و استقلال ملت و برداشت پرچم عدالت و آزادی به ندای هیهات من اللہ مرجع تقليید عصر روح خدا در کالبد زمان خمینی فهرمان که از کنجی بارگاه ظلم ستیز نجف آشرف برخاسته بود، پاسخ مثبت دادند. آزادگانی که با گذشت از سنگر تقیه^(۱)، زره جهاد به تن کرده، بی‌بایانه بر حاکمیت طاغوت زمان شوریدند تا آنگاه که توanstند با نثار خود دل خود گل آزادی و امامت را بر شاخصار ولایت علوی، در بوستان گلهای پرپر شده محمدی بشکانند، و رایحه عطر اگین آزادی و استقلال را در پهنه عالم

معاصر بگسترانند.

نه آنان که تاریخ را در چهار چوب اغراض و امیال خود می‌نگارند و برای تأمین منافع خود یا جناح و طبقه خود، حتی از بازسازی و تحریف انقلاب نیز ابا نمی‌ورزند، تا با خیال راحت بر خوان فراهم آمده از خون شهیدان بنشینند و به میوه چینی برخیزند! «چراکه اینها هرگز عمق راه طی

۱- اشاره به حکم تاریخی امام خمینی که در پی ناجعه فیضیه فرمود: «... با این احتمال، تقدیم حرام است و اظهار حقایق واجب (ولو بلغ ما بلغ)» صبحیه نور، ج ۱، ص ۷۴

مقدمه

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين والصلوة والسلام على خير خلقه محمد وآلہ
الطیبین و الطاهرین.

قال الصادق (ع) رحم... قوماً كانوا سراجاً و مناراً، كانوا دعاة الينا با
عملهم و مجهد طاقتهم.

«خدیواند بامرزد قومی را که مانند چراغ فروزان و مشعل سوزان راه
دیگران را روشن کردند و با کردار خود مزدمان را به راه ما خواندند و با تمام
توان و قدرت عملی خود، حق را شناساندند.»

موضعه مطالعات مبارز اسلامی گیلان
یکی از مهمترین وظایف نسل کنونی انقلاب که در تکوین و پیروزی
انقلاب عظیم اسلامی ایران به رهبری امام خمینی (قدس سرمه) دخیل و
سهیم بودند، حفظ و حراست این انقلاب و به پاداشتن اهداف و آرمانهای
متعالی آن است تا به خواست خدا این امانت گرانبها در نهایت سلامت و
صلاحیت به نسل های بعدی سپرده شود. اما باید دانست که این خود در گرو
ثبات و ضبط دقیق تاریخ انقلاب و تبیین مبانی فکری و اجتماعی انقلاب

ادری بما فی الیت» (اهل خانه به آنچه که در خانه است، آگاهتر است). از نوشتۀ های شهید بزرگوارمان برگزیده شود، از این رو نامه منتشر نشده شهید تحت عنوان «اوپرای سیاسی مذهبی گیلان» را با رعایت امانت، بدون هیچ راحل (قدس سره): «در شروع مبارزات اسلامی اگر می خواستی بگوئی شاه سیاست این کشور پنهان دخیل و تصرف به زور طمع آراستم و امیدوارم تا این رهگذر علاوه بر تحریر بخشی افکته و غیر مکتوب از تاریخ انقلاب اسلامی گیلان، زمینه بصیرت بیشتر فرزندان خمینی کبیر و رهروان صادق سردار مظلوم حزب الله گیلان در پیمودن راه خطیب انقلاب به پیشوائی مقام معظم رهبری فراهم گردد.

در اینجا توجه خوانندگان غریز را به نکات زیر جلب می نمایم:

۱- با توجه به گذشت بیش از یک دهه از انقلاب اسلامی، برای تبیین و توضیح بعضی وقایع تاریخی و مطالب اجمالی در رساله مذکور، (بدون دخل و تصرف در متن) از طریق زیرنویسی کمک گرفته شده است.

۲- عنایون رساله بجز عناوین نهم و چهاردهم، همگی از سوی ناشر با عنایت به منطق و مفهوم گزارش، برگزیده شده است.

و العاقبة للمتغیرین

کاشان، عید سعید فطر ۱۳۷۲/۱/۴

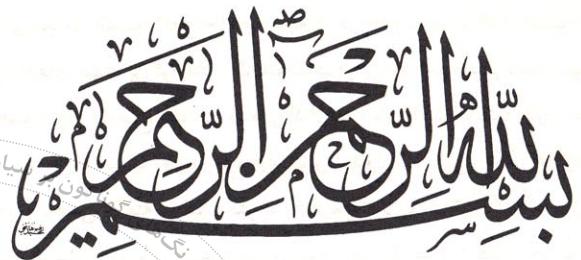
محمد جواد کریمی

شده را ندیده اند ... و از همه زجرها و غربت‌های مبارزان و التهاب و بی قراری مجاهدان که برای مرگ و نابودی ظلم بیگانگان دل به دریابی بلا زده‌اند، غافل و بی خبرند.^(۱) همانها که بفرموده معمار اصلی انقلاب امام راحل (قدس سره): «در شروع مبارزات اسلامی اگر می خواستی بگوئی شاه خائن است، بلا فاصله جواب می شنیدی که شاه شیعه است! اعدامی مقدس نمای و اسگرا همه چیز را حرام می دانستند و هیچ کس قدرت این را نداشت که در مقابل آنها قد علم کند ... اوپرای مثل امروز نبود؛ هر کس صد در صد معتقد به مبارزه نبود زیر فشارها و تهدیدهای مقدس ناماها از میدان به در می رفت. ترویج تفکر شاه سایه خدادست و یا با گوشت و پوست نمی توان در مقابل توب و تانک ایستاد و اینکه ما مکلف به جهاد و مبارزه نیستیم و یا جواب خون مقتولین را چه کسی می تهدد و از همه شکننده‌تر، شعار گمراه کننده حکومت قبل از ظهر امام زمان باطل است و هزاران ان قلت دیگر، مشکلات بزرگ و جانفرسائی بودند، که نمی شد با نصیحت و مبارزه منطقی و موسسه مطلع می باشد با این تبلیغات جلو آنها را گرفت».^(۲)

لذا بر آن شدم تا در پنجمین نشریه از سری نشریات فریاد مظلوم، به بیان پاره‌ای از وقایع و رخدادهای سالهای نخستین پیروزی انقلاب در گیلان پرداخته شود و بهتر آن دیدم که این بررسی و تحلیل از باب «اهل الیت

۱- امام خمینی، صحیفه نور، ج ۲۰، ص ۱۲۴.

۲- امام خمینی، صحیفه نور، ج ۲۱، ص ۹۱ و ۹۲.



استان گیلان و آفاق فرهنگی و اعتقادی آن

استانی که در آن قرار گرفته ایم گیلان است، مناطق سرسبز و خرم که امکانات طبیعی برای زندگی بسیار دارد. هر فرد دارای فرهنگ خوب و انسانی از آنها درشهای فطری (خداداشتایی، انسان شناسی و محیط شناسی) می‌گیرد و از آنها در راه سلامت و درستی بهره می‌گیرد، و فرد دارای فرهنگ غیر انسانی از این نعمات بهره‌های سوء گرفته و به تعیش و خوشگذرانی می‌پردازد و متأسفانه مردم این منطقه به سبب نداشتن فرهنگ غنی اسلامی و فراهم بودن زمینه‌های آلودگی به تمایلات نفسانی رو آورده و بیشتر به هواسرانی‌ها پرداخته‌اند. با همه فراهم بودن سوابق علم و فرهنگ اسلامی وجود بزرگانی از عرف و فضلای دینی از گذشته، متأسفانه تمایلات فرهنگ اسلامی رو به کاهش نهاده و کمتر توجه به فراگیری علوم اسلامی و

اخلاقیات خصوصاً در این اواخر شد، و عاملین فرهنگ انحرافی کشور اسلامی ایران در زمان طاغوت هر چه بیشتر به این امر دامن زدند و با سوق دادن بسیاری از هوسرانان و خوشگذرانان کشور به سواحل دریا، شهرستانهای ساحلی و ایجاد بناهای تابستانی تعیش و شهوت‌رانی کنار دریا، در صدد مخواهان مانده‌های اخلاق اسلامی برآمدند، و نیز مردم را به خوشگذرانی و رفاه طلبی متوجه ساختند، چه اینکه بطور طبیعی نیز زمینه‌های رفاه طلبی موجود بوده است. از طرفی از مدت‌ها پیش نوعی روشنفکری توأمان بالحاجات و تعیش منطقه را فراگرفت و بسیار از استعدادهای جوان را به خود جلب کرد و این خود عاملی دیگر برای محرومیت زمینه‌های توجه و تبلیغ احکام دینی گردید و در این رهگذر متأسفانه بسیاری از دانایان مذهبی و جمعی قابل توجه از جامعه روحانیت منطقه نیز که با همین مردم می‌جوشیدند و تبادل افکار و برخوردهای روزمره زندگی داشته از بسیاری کوشش‌های انحرافی مخصوص نماندند تا آنجاکه بسیاری از خطاهارا ضرورت زندگی اجتماعی توجیه کرده و به آنها تن می‌دادند و کمتر متوجه خطاهما و اهمیت آنها می‌شدند و حتی از برخورداری از تنبیهات و سرزنشهای نفس لواحه نیز محروم مانده بودند زیرا نوعاً مبتلا بودند و اگر هم معدودی انگشت شمار روحانی متعهد و بیدار در منطقه مانده بود یا جرأت فکری و عملی نذکار را نداشتند و یا او را مطرود دانسته و در جمع روحانیون

آنچنانی قرار نمی‌گرفتند و عملاً معزول بوده‌اند، این عمل تا بدانجا گسترش داشت که بعضی از آقایان بنام رشت که یک وقتی می‌خواستند به دیدار تبعیدی بزرگوار مرحوم آیت‌الله لوسانی در رود بار زیتون بروند، از سواک کسب تکلیف کرده و راهنمایی خواستند! متأسفانه بر اثر دور بودن از حوزه‌های زنده و پر تحرک درسی و عدم موافقت و مجالست با برگان از علماء و فضلاء و مبارزن اسلامی، و مأتوس بودن با افراد کوتاه بین و بی‌تحرک و منحط منطقه و دل بستن به زندگی روزمره مادی (گاهی حتی در حد بخور و نمیر) فضای حکومت طاغوتی و گسترده‌گی بساط فساد و انحراف و إعمال قدرت استبدادی آنها را تحت سطره گرفت و آنچنان معرویشان ساخت که در پاره‌ای موارد باور به امکان یک انقلاب اسلامی را در ذهن آنها از بین برد و در این گونه اندیشه‌یدن و دل خوش کردن به حکومت شاهی به عنوان حکومت اسلام پناه و نیاز همکاری با سلطنت تا آنجا پیش رفتند، که در جریانات انقلاب، زبان حال و قال بعضی شهان این بوده است:

«شاهنامه آخرش خوش است! یعنی چه؟ کی می‌تواند بر علیه شاه قیام کند و بر او غلبه نماید؟ کجا آمریکا می‌گذارد که ما بتوانیم حکومت اسلامی داشته باشیم، شاه سایه خدادست! بدون حکومت شاه دین و نماز و روزه از بین می‌رود.» متأسفانه سواک و کارگزاران پست آن نیز از این رهگذر بهره‌ها جستند و از اینان بسیار به نفع خود کار کشیدند. بر اثر ضعف روحانیت

اسلامی در این منطقه و عرضه نشدن فرهنگ غنی اسلامی و عرضه شدن فرهنگ‌های اتحادی غربی و شرقی، در چند دهه اخیر و بخصوص چند سال اخیر هماهنگ با حرکتها انقلاب و مبارزه‌جویانه علیه حاکمیت طاغوت، فرصت طلبان کوشیدند تا روحیه‌های مستعد حرکت و نسل جوان را متنمایل به چپ روی نموده و بر پایه فرهنگ ضد اسلامی کمونیستی حرکتها را شکل دهند و هر چه بیشتر سر پرستی و رهبری امور را از روحانیت اسلامی گرفته و میدان بازیهای سیاسی غیر اسلامی را گستردۀ سازند. خاصه اینکه سوابق جریانات شهریور (۲۰) بیست جزو توده از سالهای ۲۰ الی ۳۲ سیاهکل (۱۹ بهمن ۴۹) زمینه‌های تبلیغاتی مناسبی برای القاء فرهنگ انحرافی ماتریالیسم دیالکتیک در منطقه و تضییف اعتماد و باور به رهبری و زعامت روحانیت اسلامی در امر انقلاب بوده است، بخصوص بسیاری از این فرصت طلبان با مطرح کردن سوابق همگامیها و همکاریهای پاره‌ای از روحانیون بنام منطقه با عوامل طاغوت و سواک، که متأسفانه تا این اواخر هم به استقبال شاه رفته و قرآن تقدیم او کرده بودند و نامه‌های آنچنانی به سواک می‌نوشتند و بعضی دیگر که در سطح پائین تربوند، عملاً ساکت و گفتم بودند و کمترین تحرکی نداشتند: بدین وسیله القاء شبیه عدم لیاقت و توانایی رهبری روحانیت در ذهن عامه مردم خاصه نسل جوان قوت گرفته و هر چه بیشتر بین روحانیت و نسل جوان فاصله ایجاد می‌شد، و فرصت

این کشته شدند از دشمنان انقلاب اسلامی بروای انحراف ایدئولوژیک انقلاب دشمنان انقلاب اسلامی از جمله مارکسیستها دل خوش کرده بودند که آینده منطقه از آن خودمنان خواهد بود. اینجا مکان امن و جایگاه اعمال حاکمیشان خواهد شد، حتی دستگاه طاغوت نیز امید آن را داشت که انقلاب اسلامی در گیلان و مازندران پا نگرفته و مردم پذیرای دگرگونی بنیادی نباشند و یا لاقل انقلاب اسلامی در این منطقه به انحراف کشانده شود و باعث نگرانیها و گرفتاریها برای مسئولین جمهوری اسلامی بعد از پیروزی انقلاب گردد. لذا برای رسیدن به این مقاصد شوم بسیار کوشیدند و از طرفی بر اثر دیربیدار شدن مسئولین مذهبی منطقه، حرکت اسلامی ایران بطور اشکار دیر از سیاری بجهات کشور در گیلان به راه افتاد و در این میان دستهای مرموز و استهله به اجانب، تلاش در ایجاد شکاف و چند دستگی کردند، و بخصوص نسل نو با خواسته‌ای راکه بر اثر گرایشات فطری و باور نمودن حرکت اسلامی و عمومی مردم مسمان به رهبری امام بزرگوار است به سوی انقلاب جذب شده و در برنامه‌های عمومی اسلامی شرکت می‌کردند، به طرف گروهکهای ضد اسلامی چپ و راست کشانیدند و در این

طلبان به مقاصد شوم خود امید وارترا می‌شدند و بر تلاش روزمرشان می‌افزوذند.

این اوپرای شهرستانهایی بود که تعدادی روحانی داشت، اما بعضی شهرها از وجود روحانی معهد و غیر معهد هم خالی بود و با توجه به اوپرای شهرستانهایی که تعدادی روحانی داشتند روش می‌شود. شهرهایی چون شهرستانهایی که (اساساً) روحانی نداشتند روشن می‌شود. شهرهایی هشتپر، طالش، رضوانشهر، آستانه، ازولی، روبدارکه یا اصلاروحانی نداشتند و یا یکی دو نفر بودند برای یک شهرستان یا تمام برنامه‌های طاغوتی مثل: شهرستان ازولی (بندر پهلوی) با آن همه برنامه‌های طاغوتی فساد آور نوغا از وجود روحانی معهد محروم بوده و اگر هم روحانی به آنجا می‌آمد تمایل به استقرار و اسکان نداشت و موقعت وارد منطقه می‌شد. نکته جالب این است که به سبب نبودن مؤنسهای هم جنس و عدم مناسبت محیط فکری و علمی و اعتقادی، کمتر روحانی معهدی در منطقه دوام می‌آورد و گاهی برای چند روزی یا چند ماهی در یک شهر تبلیغ می‌کرد و سپس از آن شهر می‌رفت عدم ثبات و استقرار روحانیون معهد در شهرستانها نیز عامل مؤثری در عدم گرایش نسل جوان به مذهب و دزدیدن اذهان این عزیزان به وسیله غارتگران ایمان و اندیشه مردم و سوق دادن آنها به گرایشان غیر مذهبی و انحطاط اخلاقی بوده است. شهر مرزی آستانه نوغا از نعمت وجود یک روحانی معهد نیز محروم و بی بهره بوده است.

پیش جلسات متناوب درس و بررسی احکام اسلامی و مطالعات مذهبی داشتند و حقایق را با فرزندانی از منطقه در میان می‌نهادند که ریشه بعضی از این فعالیتها به سالهای ۴۴ و ۴۵ نیز می‌رسد. گرچه این عده از جوانان مذهبی این کشور پنهان شده است، اما همچنان و ضروری تقریباً تنها می‌مانند و این عدم حمایت از جانب بزرگترها و بی تفاوتی و نیز سیطره طاغوتی سواوک تا بدانجا گسترش داشت که در واقعه درگذشت مژموز فرزند بزرگوار امام حجۃ الاسلام حاج آقا مصطفی خمینی رحمة الله عليه با آنکه بعضی از طلاب جوان و جوانان برومند و تربیت یافته اسلامی که در تماش با مراکز دینی قم، تهران، مشهد، ... و دانشگاهها بودن تلاش بسیار در تنظیم تلگرافها از شهرستانها برای حوزه‌های علمیه و شخص بزرگوار امام و برگزاری مجالس ترحیم کردند، گاهی کمتر توفیق یافتد و آقایان علمیای پلاک کمتر حاضر به همکاری شدند و نحود حرکتهای بعدی دیرتر شرکت کردند^۱؛ و متأسفانه از این بی توجهی ها و بی تفاوتیها، همواره سران چپ و راست بهره‌های سوء گرفته و تلاش داشتند زعامت امور و حرکت انقلاب اسلامی را در دست بگیرند.

برنامه‌های انحرافی بیشتر اهتمامشان بر آن بود که به این نوباوگان الفاکنند که اگر چه روحانیت و امام، انقلاب را به راه انداخته و به بیش می‌برند اما توانایی ادامه مبارزه و شکل دادن به آن را ندارند، بلکه روحانیت پیچیدگی امپریالیسم را نشناخته و تن به سازش خواهد داد! و برای اقناع این فرزندان جوان و کم تجربه و گاهی بی تجربه، از نقاط ضعف اخلاقی^۲ و باستگیهای گذشته بعضی از مذهبیون و روحانیون منطقه استفاده می‌کردند و حتی گاهی نامه‌های خواهش و تمنای بعضی از آقایان به سواوک و یا نوارهای سخنرانی‌ها یا شنیدن در تمجید از دستگاه و یا تضعیف انقلاب اسلامی و نظایر آن را در جلسات خصوصی، مطرح کرده و شک و تردید به روحانیت را به این نوباوگان القاء می‌کردند و از این‌آن تبروهای متخاصم بر علیه انقلاب اسلامی، روحانیت صادق و امام می‌ساختند که بعضی از آنها این روزها در مصاحبه‌های رادیوئی کشوری و محلی می‌گویند: «مارا به عشق امام و انقلاب اسلامی، به سازمان جذب کرده و سرانجام بر اثر القاتان سوابه ما باید از مطالعات می‌سپسیم»^۳.

قبولاندند که امام ضد خلق است^۴ و از مادشمن امام و انقلاب^۵ نباختند!^۶ ناگفته نماند که در این میان معدودی کمتر از انگشتان دست، روحانیون متعهد که در رابطه با قم و دیگر مراکز اسلامی بودند^(۱) در ارتباط با نسل جوان اسلامی باعث رشد روحیات دینی و انقلابی شده و از مدت‌ها

۱- حجۃ الاسلام آقایان ۱- دکتر سید عبد الله ضیائی (ره) ۲- محمد علی فیض لاهیجانی ۳- زین العابدین قربانی ۴- عباس محفوظی

پیروزی انقلاب اسلامی و تشدید موضع منفی گروههای ضد اسلامی

گرفتند جوانان مذهبی دست بکار شدند. عوامل فرصت طلب نیز کوشیدند تا نفوذ کنند و کارها را خود در دست بگیرند. گرچه در پاره‌ای از موارد پیروزیهای بدست آوردن، اما کوتاه مدت و گذرا بود و مردم آگاه زود آنها را کنار می‌زدند، بعد از تشکیل کمیته‌ها و جایگانی بعضی از مسئولیتها، شیوه‌نامه سازمانیکات سازمان یافته و بیشتر از پیش آغاز شد. کارشناسیها کردند، تحصین‌ها برای اندداختند، فرمانداریها و استانداری و مراکز آموزشی و ادارات آموزش و پرورش و نیز مراکز انتظامی را در شهرها محاصره کردند و سبب اختلال در گردش منظم امور شدند. ناگفته نماند که در روز ۲۲ بهمن به سبب خوش باوری پاره‌ای از مسئولین مذهبی منطقه و اعتماد به رؤسای پیشین مراکز انتظامی (شهربانی و ژاندارمری) و از طرفی حیله‌گری گروهکها و شیوه‌نامه‌هایی در دست گرفن این مراکز انتظامی و سلاحدایی موجود در آن، توسط روح‌آثیون و نمایندگان آنها در پاره‌ای از شهرها گروههای اچه و راست به مراکز انتظامی حمله برده و گاهی به بهانه نمایندگی فلان روحانی اسلحه را به یغما برداشتند! که خوشبختانه در بعضی از شهرستانها سریعاً مردم مبارز و مسلمان سر رسیدند و غارت اسلحه را به حداقل کاهش دادند بعدها کمیته‌ها نیز تا حدودی در جمع آوری سلاحهای ربوه شده مؤثر بودند. اما به همان اندازه که غارت کردند - و گاهی قابل توجه بود و ظاهراً بعضی از روستای شهربانی و ژاندارمری نیز جهت

موسسه مطالعات مبارزه اسلامی
دارای جمعیت قابل توجه از برادران سنی مذهب بوده و ادر منطقه خائزه و آشنا با دردهای فتووالیته و سرمایه داران نوکر صفت دستگاه طاغوت می‌باشد، و از طریق کوهها، راههای ارتباطی با کردها و برادران سنی مناطق دیگر دارد که برای فرصت طلبان و جویندگان راههای نفوذ و افتراق اسباب امیدواری بوده است. اما کمیته‌ها برای افتاد و افراد مذهبی در رأس آنها قرار

آشوبگری با مهاجمین و غارتگران همکاری کردند و خود در پخش سلاح بین واپسگان گروهها نقش داشتند - سبب پشتگرمی و غرور کاذب غارتگران شد و آنها به انتکای این سلاح‌ها به اختلافات، درگیریها و آشوبهای منطقه‌ای دامن زدند و گاهی پیام‌های تهدید آمیز برای مذهبیون و افراطی مسئول می‌فرستادند.

سوء استفاده گروه‌های از ساده اندیشان

به بهاءالله تعلیم اسلحه به نوبوگان، انجمن‌ها در مراکز تجمع نیرو و ستادهای چپ و راست راه انداختند، و در این راه از ساده‌اندیشی بعضی بزرگترها نیز سوء استفاده کردند همانها که می‌گفتند: «اینها بچه‌های ما هستند، اینها مخالف نیستند، می‌خواهند برای خودشان یک تشکیلات و ستادی داشته باشند» و مسائل جاری را خیلی عادی تلقی می‌کردند و گاهی حاضر به کمک به آنها می‌شدند و در برابر اعتراضات و هشدارهای بعضی از صاحبان در بی‌تفاوت بودند و از ریشه قاربودن حرکتها علیه حکومت اسلامی غافل بودند. گرچه این جریانات کم و بیش در سراسر کشور و با می‌بیشتر و منجسم تر بوده است و برای ضد انقلاب امیدوار کننده‌تر بود. در این میان نبودن افراد شاخص و با سابقه مبارزاتی که ریشه‌های شیطنت و تحریکات را دریافت کرده و جلوگیرایان باشد، سبب تحری این افراد شده و کمتر کسی توان مقابله با اینان را داشت، و گاهی نیز می‌گفتند: «اینها راست می‌گویند، باید به وضعیان سامان داده شود. بر ایشان کار ایجاد کرد و ...»

موسسه مطالعات مبارزی

www.manaengemani.ir

در طول تاریخ زنگ‌های گوناگون بر سیاست

نگاه داشتند

کمتر متوجه می شدند که [این تحریکات] نقشه تضعیف حاکیمت اسلامی و در رابطه با برنامه های از پیش تعیین ساخته دشمن است، این درخواستهای شغل، اضافه حقوق، مسکن و امثال آنها بهانه ای است برای راه اندازی حرکت های تضعیف کننده حکومت مرکزی اسلامی، تقاضای کار و مسکن که به تحصن ۳۷ روزه در استانداری احتیاج ندارد و بستن در استانداری و فراری دادن استاندار یا فرمانداران از محل کارشان، شکستن درب و پنجره های فرمانداریها و بخشداریها، بستن درب اداره کل آموزش و پرورش استان برای چند هفته، مانع شدن از ورود و تماس بخشداران، شهرداران، فرمانداران و دیگر مقامات اجرائی استان با استانداری و استاندار در نتیجه مختل شدن امور جاری استان استاندار اسبق گیلان که گویا اولین استاندار در کابینه آقای بازرگان بوده است، از فعالیین جبهه ملی و در رأس تشکیلات جبهه ملی استان قرار داشت و گروه های از موقعیت او کمال بهاری را حسب امکانات می کردند، و در بسیاری موارد اولیا و ادارجه همراهانگی و سازش می کردند، مثلاً در مورد متخصصین ۳۷ روزه استانداری که با اجتماع مردم مسلمان از مسجد کاسه فروشان به طرف استانداری از محل استانداری بیرون رانده شدند و با آمدن مردم به تنگ آمده از حرکات خلاف انسانی و ضد انقلابی گروه هکها، استانداری از لوث وجودشان پاک شد، اما از طرف استانداری آن روز، ساختمان شیر و خورشید رشت با ماهی پنج هزار تومان

اجاره از طرف دولت، به شورای دیپلمه های بیکار و اگذار شد! که در حقیقت همان متخصصین دیروز و رانده شده های از استانداری توسط مردم مسلمان بودند به علاوه از وجوده دولت اسلامی گاه و بیگانه مبالغی قابل توجه و بالاعرض از طرف استانداری در اختیار اینان قرار گرفت. در مدت استانداری اولین استاندار گیلان، عناصر غیر مکتبی و غیر دلسویز برای جمهوری اسلامی در رأس بسیاری از امور قرار گرفتند و در ادارات رخنه ها کردند، حتی در رأس آموزش و پرورش استان فردی با سابقه توده ای قرار گرفت! و استانداری به گروه هکها در محیط استان خاصه ادارات هرچه بیشتر اخلال کردند، به اندک بهانه ای درگیری و تحصن به راه می اندادهند، و پشت مسئولین غیر مکتبی و دلدادگان به گروه هکها، تلاش های تخریبی روز افزون داشتند و هر روز بر شکل خود و تضعیف مذهبیون می افروزند. کارخانه ها (که در استان گیلان بسیار است) اغلب دچار تنشیج و نابسامانی بود و به بهانه شورا، درگیری مخصوص دلانها وجود داشت. ضد انقلاب روز به روز جری تر می شد اختلال نظام عمومی و راه اندازی درگیریها و تظاهرات مشترک چپ و راست علیه مسلمین و تبلیغات سوء علیه روحانیت صادق امری طبیعی شده بود. جالب توجه است که در بسیاری از مدارس استان افراد انجمان های اسلامی جرأت قدر افزایش در برابر عناصر و هواداران گروه هکها نداشتند و اینان اختیار داران مراکز آموزشی بوده اند و بهمین نحو بوده است وضع

انقلاب از گروهکها گرفته تا لیبرال‌ها و بنی صدری‌ها و نظایر آنها بسیار است و از مدت‌ها قبل از پیروزی تا امروز جریان دارد که بدنبال بعضی اقدامات

موقت و غیر بنیادی گذشته، گویا اخیراً اقداماتی نسبتاً بنیادی به عمل آمده

این کشور پنهانه از امکانات موجود در جهت تولید مناسب بهره‌گرفته شود و نیز

عناصر ضد انقلاب پاکسازی شوند.

در این‌لی به بهانه صید و صیادی در زمان استانداری اولین استاندار گیلان (آقای داوران) که اکنون به اتهام سردستگی در جریانات ضد انقلابی

بازار رشت و بسته شدن بازار در برای امر امام در جریان بنی صدر مخلوع در بازداشت بسر می‌برد) غالیه نسبتاً قابل ملاحظه‌ای آفریدند و با حمله به

سپاهیان و آتش زدن مقر سپاه پاسداران اسباب درگیری شدند، که منجر به

کشته شدن برادران پاسدار و افراد حزب‌الله گردید، و سرانجام با دخالت آقایان استاندار، تیمسار مدنی (فرمانده نیروی دریائی آن روز) امام جمعه

رازیان استاندار، تصمیم به خروج موقت سپاه از شهر و سپرده شدن انتظامات امور

بدلاً از افراد نیروی دریائی گردید.

و من همان‌جا فرمیم که حداقل نیزه‌ای برای این اتفاق نداشتم، بلکه از پیش مطلع بودم

که این اتفاق اتفاق نماید، و این می‌تواند موضعی موقتی باشد، ولی این موضعیت نه

و چشمیم که این اتفاق اتفاق نماید، بلکه این موضعیت نهایی است، بلکه این اتفاق اتفاق نماید،

آزادی مراکز آموزشی! در شهرهایی چون رضوان شهر و هشتپر طوالش وضع

به مراتب بدتر و خطرناک‌تر بود، از طرفی وجود مناطق جنگلی که امید اختفاء و پناهگاه ضد انقلاب بود، وجود برادران اهل تسنن، وجود خانها و

فندالهای نظام طاغوت، بعضی از کردهای وابسته و روابط جنگلی و

کوهستانی منطقه با اکراد مناطق دیگر، و از طرفی وجود کارخانه چوب و کاغذ ایران «چوکا» در منطقه اسلام با افزون از پنج هزار تنر کارگر و کارمند که

بسیاری از کارگران و بخصوص کارمندی‌ها وابستگی گروهی داشتند و از

روزهای بعد از پیروزی انقلاب باعث درگیریها و تشنجهای هم در محیط کارخانه و هم در منطقه هشتپر شدند. (در کارخانه چوکا تا آنجا که اطلاع

داریم هنوز هم کسانی هستند که هر ماه مبلغ ریال حقوق می‌گیرند و کار تولیدی قابل توجه ندارند بلکه تحریک علیه جمهوری اسلامی می‌کنند که لیست حقوقشان جهت اطلاع پیوست می‌باشد). عناصر

وابسته به گروهکها در این کارخانه، امید و نفعه اتفاقی مناسبی برای تشکیلات منسجم ضد انقلاب استان بودند، که حتی در این اوخرهم (بعد از اعلام جنگ مسلحانه ضد انقلاب علیه نظام) از شیطنت خودداری نکرده

در صدد تخریب دستگاههای تولیدی و وارد کردن ضرر مالی قابل توجه بر آمدند، که با اقدام نسبتاً بموقع بعضی از برادران مسلمان و به تنگ آمده

کارخانه جلوگیری تقریبی به عمل آمد. مسائل کارخانه چوکا در ارتباط با ضد

انصاری همکاری کردند و او را در آغوش گرفتند، با تکمیل جلسات هماهنگی و برگزاری اجتماعات اسلامی و پیگیری راهپیمایی‌های مردم مسلمان و هر چه بیشتر، سمت و جهت اسلامی دادن به حرکتها امید تازه‌ای در قلوب مسلمین استان شدند و بار دیگر نیروهایی که تقریباً از تضمیم‌گیری بازمانده بودند اهمیت و مستقیم به حرکت پرداختند.

این کشور پنهان ساخته شده بودند، امروزیان آن همه توطنه‌ها و شیطنتها و امید ضد انقلاب ناگفته نماند که امروزیان آن همه توطنه‌ها و شیطنتها و امید ضد انقلاب برای جدا کردن منطقه از انقلاب اسلامی، و بر خلاف آن همه تحریفات و دروغ پردازی، مردم منطقه بخصوص شهرستانهای شرق گیلان از نعمت فطری اسلام دوستی و خدا پرستی پرخوردار بوده و با آنکه بسیاری آلوده به خواسته‌های نفس و خوشگذرانی بودند؛ اما عame مردم خسته شده از هوسرانیها و خوشگذرانیها به ندای فطری انقلاب اسلامی پاسخ مثبت داده و در موقع راهپیمایی‌های سراسری از اربعین‌ها، عاشوراها، روزهای قدس و امثال آن، بسیار شور و شوق نشان می‌دادند و راهپیمایی‌های صد هزار تنی تیز به راه می‌انداختند و در عرض گروهها تلاش داشتند که این حرکتها رانیز به نام خود تمام کنند.

تعویض استاندار و ادامه تحریکات ضد انقلابیون

سیاست این کشور پنهان ساخته شده بودند، امروزیان آن همه توطنه‌ها و شیطنتها و امید ضد انقلاب مسائل مذکور و بسیاری مسائل جاری دیگر در سطح امتحان از طریق مختلف به مسولین کشور منعکس شد و بالاخره برادر شهید مهندس علی انصاری استاندار گیلان شد، مدت یکماه و نیم از استانداری ایشان، وضع ظاهری استان بر منوال گذشته بود، بلکه بتابر تحریکات واستگان به تشکیلات استانداری قبلی، درگیریها و تنشیجات بیشتر شد و بر دامنه تحصین ها، اشغال مراکز عمومی افزوده شد، البته آن مرحوم در جابجایی افراد واپسیه قبلی همت گمارد، اگر چه گاهی این برادران در مراحل اولیه مسؤولیت‌ها دچار کارشکنی‌ها و نابسامانی‌ها می‌شدند که حاکی از همان زمینه‌های گسترده شیطنت هابوده است، ایشان به همراه دیگر برادران مسلمان از فرمانداران، بخشداران، شهرداران، مسؤولین ادارات و افراد حزب الله‌ی که با آمدن وی به سمت استانداری دراستان گیلان جان گرفته بودند و خوشبختانه بعضی از طلاب جوان مسلمان که در شرایط گذشته رنج می‌بردند و کاری از پیش نمی‌بردند، و نیز بعضی از روحانیون متعدد استان که برای فراهم شدن شرایط اسلامی روز شماری می‌کردند و اینان نیز با مرحوم

فروشان رشت و راهپیمانی عظیم و منظم مردم گیلان در رشت به طرف دانشگاه گیلان در رابطه هماهنگ با مردم تهران و سایر شهرستانهای دانشگاهی، عدم توجه گروهکهای مستقر در دانشگاه به این حرکت عمومی و ایستادگی در برابر امت مسلمان و تصویب شورای انقلاب فرهنگی و تائیدیه امام مبلغی برپاکسازی دانشگاه و انقلاب فرهنگی؛ منجر به درگیری عظیم و گستردۀ وزخمی شدن قربیت یکهزار نفر و کشته شدن سیزده نفر بنا به گزارشات واصله‌گردید، که در آین ماجرا برادر مبارز و مسلمان آقای [هادی] غفاری نیز زخمی و به بیمارستان اعزام شدند و در بیمارستان گروهکها به او حمله‌ور شده و او را زیر ضربات کتک و لگد می‌گیرند و... متأسفانه آقای لاهوتی در مورد آزاد شدن عده‌ای از ضلایل انقلابیون و بعضی کارکنان دانشگاه گیلان چه تلاشهای نمی‌کنند و چه ناراحتی‌ها که به عمل نمی‌آید! پاره‌ای از دستگیرشدگان از واپستگان و عناص‌را صلبی سازمان ملی دانشگاهیان دانشگاه گیلان بودند که این سازمان در زمان انقلاب اسلامی (قبل از پیروزی) دانشگاه‌های کشور جهت شکل دادن به مبارزات دانشگاه علیه طاغوت بوجود آمده بود، متأسفانه در دانشگاه گیلان بعد از پیروزی انقلاب توسط بعضی از واپستگان به کنفراسیون دانشجویان ایرانی در آلمان و هواداران محلی آنها، تجدید تشکیلات به عمل آمده و هر چه بیشتر برای تشكیل حرکتهای غیر اسلامی کوشیدند؛ از جمله در جریان انقلاب فرهنگی نقش

سیاست این کشور پیش از انقلاب فرهنگی

همزمان با این حرکتهای مجدد امیدوارکننده، آقای لاهوتی بنان زمینه های ارتباط با بنی صدر و تشکیلات دفتر هماهنگی و دل چرکینی از بعضی برادران مسؤول و در سطح بالای امور مملکتی، به گیلان آمدند توهه مردم به عنوان نمایندگی امام و سوابق مبارزاتی، از آن استقبال قابل توجه کردند و خوشحال و امیدوارتر شدند؛ اما شیاطین و فرصت طلبان نیز خوشحال و امیدوار شدند. با سخنرانیهای آنچنانی در اجتماعات و در خطبه‌های نماز جمعه، متأسفانه به بعضی سران کفریشه و منافق منطقه امید نفوذ و فرصت طلبی دویاره بخشید، و اینان دویاره جنبیدند و تلاش کردند که انسجام نسبی فراهم شده حزب... را ریزی ببرند و آنها را بشکنند. بعضی

بهره‌های سوء تبلیغاتی و عملی، که گروهها در ارتباط با ساده اندیشه‌های آقای لاهوتی گرفتند، جداگانه قابل ذکر و بررسی است و شرح مفصل دارد. متأسفانه به نام ایشان بسیاری از حزب الله و تشکیلات مربوطه شان را خرد کردند و تلاش در منزوی کردن آنها نمودند. جریان انقلاب فرهنگی و آمدن آقایان بزرگوار امامی کاشانی و غفاری به گیلان و سخنرانی در مسجد کاسه

قابل توجهی علیه این حرکت اسلامی و مردمی در سامان بخشیدن به فعالیتهای گروهکها در محوطه دانشگاه گیلان اینا کردند حدود و گستردگی تلاشها در پروندهای موجود در دادسرای انقلاب اسلامی رشت مشخص می باشد. هم اینان بودند که قبل از انقلاب فرهنگی به بهانه کمبود جابرایی کلاسهای درس دانشجویان تقاضای ساختمان در بادگان نیزی در رشته رشت را داشتند با توجه به آنکه رئیس دانشگاه اعلام کنی کرده بود برای ۵۵ نفر از دانشجویان این دانشگاه کلاسهای درس به اندازه کافی دارد و بیشتر اتفاق های قابل توجه توسط گروهکها به ستاد تبدیل شده است؛ او این وابستگان به بیگانه، گویا به بهانه رفتن به بادگان مقاصد شوم دیگری (?) در رابطه با انقلاب در سر می پروراندند که سوابق آنها می تواند آنرا به خوبی بازگو کند. در جریان انقلاب فرهنگی وابستگان به گروهکها در بعضی نقاط شهر به آتش افروزی و ایجاد درگیری پرداختند از جمله: به ساختمان جهاد سازندگی واقع در خیابان تختی رشت که محل اقامه حجت الاسلام جهاد آفای امامی کاشانی بود، یورش بردن و آنچا را محاصره کردن؛ پاسدار ایشان را شهید کردند و بعد از مدتی قابل ملاحظه از جنگ و گریز، شهید انصاری اعلام رادیوئی کردند تا مردم متوجه شده و به طرف جهاد آمدند و گروهکها رافراری دادند و محاصره شدگان را به جای دیگری منتقل کردند، حتی در شب بعد از واقعه دانشگاه، اوپرای رشت بسیار نگران کننده

بود که با مصاحبه تلویزیونی آقایان استاندار شهید، غفاری عزیز، امام جمعه و دادستان انقلاب استان و دعوت عمومی مردم از شهرهای استان به رشت آمدند و ضد انقلاب را محاصره و منهزم کردند و کنترل شهر را در دست

این کشورگو فتنه‌تاور سایه افکند؛ اما دنی ثابت ۱۴۰۰م گیلان

ایمان

مبارزات اسلامی گیلان

W W W . r a n g

تسامح و عدم قاطعیت دادسراها و دادگاههای انقلاب منطقه در این بین موضوعی که قابل توجه بیشتر بود و ممکن است تحری ضد انقلاب و دامن گستردن برنامه‌های آنها می‌شود اوضاع دادسراها، و دادگاههای انقلاب منطقه بود. عدم قاطعیت اسلامی، متأثر شدن از توصیه هادر آزاد کردن خدانقلابیون و عدم تعقیب متهمنین، و دریسیاری شهرها، نبودن تشکیلات دادسرا یا دادگاه انقلاب اسلامی و از طرفی بودن بعضی چهره‌های مشکوک و وابسته به گروهکها و عناصر بد ساقه و بد نام دادگستری استان در دادسراهای انقلاب آنروز؛ پرونده سازی های آنچنانی و خصم‌مانه علیه افراد علیه حزب الله و کمیته ها و سپاهیها و سبک جلوه دادن بسیاری جرائم ضد انقلابی و تلاش درکم اهمیت انکاشتن آنها برای مسؤولین دادگاهها، تا آنجا که بعضی از مدارک مثبته جرائم رامخوا کردن و پرونده خارج ساختن آن هم پرونده‌های وابستگان معروف به رژیم طاغوتی و ضد انقلاب و دیگر عملکردهای غیر انقلابی اسلامی، تمام‌انقاط و عوامل امیدوارکننده گروهکها و گستردگی شدن فعالیتهاشان بوده است. ناگفته نماندکه مسائل فوق الذکر نه تنها وابستگان به گروهکها را تجری بخشید بلکه

اشرار و دزدان اموال و نوامیس مردم رانیز قوت داد و اینان نیز بهره‌های سوء ازین بازار آشفته بردنند که به زیان حاکمیت اسلامی تمام می شد غارت جنگل، صید بی رویه در دریا و هوا، صعود بی رویه و کنترل نشده قیمت‌های کشوما پیچای ساده بر سیاست این کشورها پیچای ساده است. این تبلیغات سوء علیه انقلاب اسلامی و رواج فحشاء پرداختند و در جنگل‌ها ضد انقلاب زمینه‌های اختفاء را فراهم کرد و نیز با نصب دکاکین در مراکز عمومی و در پیاده روها اسباب بی نظمی و بی حرمتی و دایر نمودن مراکز فعالیتهای مشترک گروهی چپ و راست را فراهم کردند و...
بیان
موسسه مبارزات اسلامی گیلان
 www.rangimam.org

تماسهای نزدیکی با مسئولین استان بوده است.

اما این کافی نبود زیرا قاضی آگاه مسلمان است که می‌تواند به تلاش‌های دادسرا و دادستانی نیرو و دوام بدهد و از این رهگذر نتایج مطلوب بدست آید. با وصف بر این کم‌کم با همکاری همه مسئولین و برگزاری جلسات شور و بررسی امور استان به راه افتاد و دست و پای ضد انقلاب جمع شد. البته گاهی قضایایی ضد انقلابی رخ می‌نمود و گاهی به همان دلیل نبودن قاضی غیر محلی که حاضر به رسیدگی به پرونده‌های مشکله باشد اسباب تضعیف حرکت می‌شد، از جمله پرونده‌های دانشگاه گیلان و جریانات انقلاب فرهنگی که از اردیبهشت ماه تا مردادماه ۵۹ بدون صدور حکم در قسمت دادسرا ماند و بالاخره با تماس‌های بسیاری در مردادماه یک نفر قاضی محترم به رشت آمدند و به آنها رسیدگی کردند، که تقریباً دیر شده بود و بسیاری از امکانات و شرایط اولیه و مناسب رسیدگی که ذکر و تجربه و اعتقاد اثاثان اجازه می‌داد تلاش برای انجام وظایف محول می‌کردند و با عوامل اجتماعی نیز گاهی جدی و گاهی به صورت کجدار و

رفتند پیش مرحوم قدوسی ^{رهنگ}. آنچه مطرح کردند که: «ما دادستان می‌خواهیم، دادستان قوی هم می‌خواهیم»، مرحوم قدوسی ^{رهنگ} آقای کریمی را می‌شناخت؛ تا آقای کریمی را دید گفت: «آقای کریمی شما برو، دادستان بشو...» (حجت‌الاسلام مصطفی حائری فومنی - مسجد گلشاهی لاهیجان، ۱۴/۴/۷).

انتصاب دادستان کل انقلاب استان از سوی شهید آیت الله قدوسی است این کشور ^{جهان} بر مسائل فوق الذکر ضرورت پیگیری جدی و اعتماد جریانات به مقامات مسؤول مملکت بخصوص قسمت قضائی ^{جهان} ایجاد می‌کرد، تا هرچه زودتر امکانات قضائی جهت جلوگیری از شرکرات ها و فراهم ترکردن زمینه های حاکمیت اسلامی فراهم آید؛ و مردم بخصوص نسل جوان مسلمان که نگران آینده منطقه بودند مرتبأ تقدیم اعلام وضع موجود را داشتند. لذا طی نشستی از مسئولین استان شهید انصاری استاندار، فرمانداران، مسئولین جهاد استان، برادران ستاد تبلیغات و بعضی از برادران مسؤول دیگر تصمیم گرفته شد که احدی از فرمانداران (فرماندار آن روز لاهیجان) به نمایندگی، خدمت شهید حجۃ الاسلام قدوسی رفته و پس از انعکاس فهرست وار مسائل ضرورت شکل دادن به دادستانی ^{جهان} دادگاه‌های انقلاب استان را مطرح و درخواست راهنمایی و اقدام مقتضی حسب امکانات نماید. این کار انجام دادستانی برگزیدند ^{جهان} که او در مجموع آشنا به مشکلات منطقه و دارای دادستانی برگزیدند ^{جهان} که او در مجموع آشنا به مشکلات منطقه و دارای

چ- «مرحوم انصاری می‌گفت: من استاندار اما استاندار کاری نمی‌تواند بکندا من یک دادستان قوی می‌خواهم، یک دادستان قدرتمند؛ شهید کریمی گفت: من حاضرم! شوخی نیست.

مریض به حسب امکانات قانونی برخورد می کردند و آنهاییز گاهی حرکت های عمومی علیه انقلاب اسلامی می کردند که در پاره ای موارد با راهپیمایی عمومی مردم مسلمان خاتمه می یافت. لیکن فعالیت های سازمان یافته شان به صورت تیمی (داخل شهرها و روستاهای) ادامه داشت. از جمله حرکت های عمومی ضد انقلابی (درگیری و تشنج) در تاریخ ۹/۱۵/۹۷^{۱۴} جلوی بیمارستان ۲۲ آبان لاهیجان بود که به بهانه گرفتن بعضی فردی به نام اردشیر خانی که در منطقه خلیفه محله روودسر در پی درگیری کشته شده بود و پدرش در سخنرانی گفت: که او مسلمان [معتقد به امام خمینی] بوده و توسط منافقین کشته شده، اما اینها مدعی بودند که او مجاهد بوده و باید نعش او را بیمارستان به آنها بدهد و بالاخره درگیری ایجاد کردند که مانع از بردن جسد توسط خانواده مقتول به محل زنگی او شوند. آن شب با تیراندازی وابستگان به ضد انقلاب و سینگ پرانیها و چماق کشی آقایان!

بسیاری از بچه های حزب الله زخمی و بستره شدند و بالآخره با اعلام استمداد رادیویی، مردم از شهرهای گیلان شبانه به لاهیجان آمدند و غایله را خاتمه دادند. در پی این جریان و دیگر برنامه های مشترک چپ و راست همزمان با وقایع ۱۴ اسفند دانشگاه تهران، از تاریخ دهم الی ۱۶ اسفند در شهرستان لاهیجان وقایع بس فوق العاده و قابل توجه اتفاق داشت که منافقین و گروه چپ فدایی، موجودیت کمیته مشترک خلقی را (بنا به اطلاعیه های

بدست آمده) اعلام کردند و درگیری ها اتفاق افتاد که منجر به قتل یک دختر و یک پیرمرد مسلمان شد^{۱۵} و این نوکران اجنبی به تحریک مردم پرداختند و با پادر میانی تعدادی بازاریان منحرف و بدسابقه (رباخوار، قاچاقچی، قماریاز، توده ای و...) یک روز بازار را بستند و به طرف فرمانداری شهر هجوم

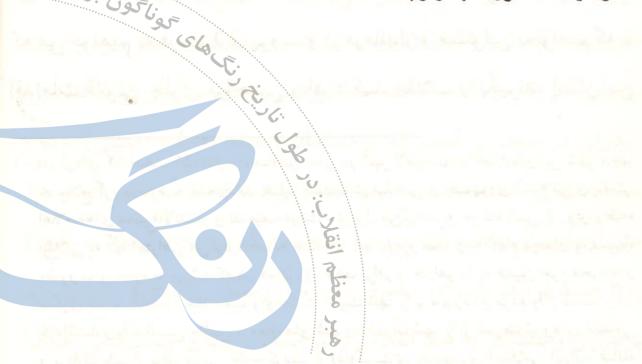
این کشته شده های بسیاری از بازاریان ساده لوح را فریب داده بودند و گفته بودند که می خواهیم به فرمانداری برویم و از فرماندار و مسئولین بخواهیم که با اقدامات قانونی جلوی مراکحمن و افراد ضد انقلاب را بگیرند، اما از این

۱- در فردادی ۱۴ اسفند ۵۹، سازمان منافقین خلق در شهر لاهیجان در خیابانهای این شهر مجهز به سلاح گرم و سرد به شعاع دادن علیه متفقین مذهبی و جمهوری اسلامی و بخش اعلاییه های منتوں الانتشار و تضعیف دولت مشغول می گردند. و هر گاه کسی از روی وظیفه انقلابی به آنها اعتراض می کرد با حمله مسلمانانه آنها روبرو شده و به اتهام «چماق به دست» مضری و مجرح می شد که در همان روز دفعه ای دهها بزارد و خواهر ما به همین جرم مجرح و بستری شدند. آنان با ایجاد رعب و خوشت امیت شهر را بر هم زده و مردم را از کسب و کار بازداشتند و با شکستن ماشین و مغازه های شهروندان، آن شهر را از تصرف نیروهای انتظامی و پسرداران پاسدار براوی مذکور خارج کردند...» (اداگتسري جمهوری اسلامي ايران، غائله

چهاردهم اسفند ۱۳۵۹، تهران، ۱۴۶۴، ص ۸۷ و ۸۸).

یکی دیگر از اقدامات قهرمانانه شهید سرگوار کریمی، خشنی نمودن توپه عظیم و سازمان باغفه منافقین در شهر لاهیجان بود که در اسفندماه ۵۹، با در دست گرفتن شهر و محاصره فرمانداری و پخش اطلاعیه سیاسی - نظامی، مبنی بر آزادسازی شهر لاهیجان و تشکیل یک شورای خودمدختار [توسط] عناصر استکبار همانی و به طور عمد منافقین که جریان آن توسط مستول اطلاعات وقت ستد مرکزی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی (برادر محسن رضایی) در یک مصحابه مطوعاتی ویژه، به اطلاع عموم رسید. آیا کسی جز کریمی تووان و جرأت خشنی نمودن این فاجعه را داشت؟ و دیدم که سرانجام این اسلام جلسه های منافقین، با اقدامات قاطع و کوبنده شهید کریمی سرکوب گردید و با «ستگوری» و «هاش» از عوامل مزدور گروهک مزبور [مازوه] به نفع حزب الله منطقه تغییر پیدا گردد؛ (بهانی از مقابله دریافتی برادر پاسدار سپاه...).

راهپیمایی مردم سوء تبلیغات کردند. جریان ۱۴ اسفند لاھیجان نیز با راهپیمایی عمومی مردم در تشییع جنازه شهید پورمیرزاپی (پیرمرد مسلمان) خاتمه پیدا کرد و مسئولین شهر و استان طی سخنرانی های بیدارکننده حمایت مردم را بیش از پیش از گروهکها کمتر کردند و سبب منفورتر شدن گروهکها و وابستگان شدند.



موسسه مطالعات مبارزات (W w w . T a n g e i m a n . i r)

برنامه های طاغوتی در سیاری از مدعیان زعمات چپ و راست.

ج) با همه خراب بودن جو تشکیلاتی روحانیون منطقه و عدم

آمادگی شان برای یک انقلاب سریع اسلامی، باور به این امر که روحانیت؛

دلسوز مردم بوده و نوعاً برای اسلام و دین مردم تلاش می کنند و اگر هم در

پارهای موارد مرتکب خلاف هایی شده بودند یا می شوند، با بر اثر گستردگی

دلالی ناکامی گروهکها

آن کشور بهمنسله یعنی قابل ملاحظه این است که با وجود آن همه تلاش ها و

زمینه ها چرا گروهکها ناکامی بودند و فقط در حد تبلیغ و شعار و ایداء مردم

مسلمان و کارشناسی ها و اختلال در کارها و نظم امور توپیقاتی داشتند و همه

اینها مرحله به مرحله اسباب منفور شدنشان در نزد مردم گردید. این ناکامی

به دلایل آتی بوده است:

(الف) وجود زمینه های اعتقادی تیشه دار و آماده برای تربیت اسلامی

که با فراهم شدن شرایط انقلاب اسلامی به فرهنگ اصیل اسلامی متمایل

شده و هر چه بیشتر به دلسوزتگان و هر بیان دینی تن می دادند.

برای اینکه این دلایل اتفاقاً

با همه خراب بودن جو تشکیلاتی روحانیون منطقه و عدم

آمادگی شان برای یک انقلاب سریع اسلامی، باور به این امر که روحانیت؛

دلسوز مردم بوده و نوعاً برای اسلام و دین مردم تلاش می کنند و اگر هم در

پارهای موارد مرتکب خلاف هایی شده بودند یا می شوند، با بر اثر گستردگی

سيطره طاغوت بوده که آنها از انجام وظایفشان دور مانده بودند و یا نهایتاً حسابشان از جامعه روحانیت اصلی جدا است و این نحوه دریافت در نزد مردم منطقه و افراد بی‌غرض و مرض م وجود بوده است.

د) وجود روحانیون جوان متوجه و بعضی روحانیون عابد و زاهد در گوش و کنار شهرها و نیز بعضی از برنامه‌های کوتابخانه‌های تبلیغاتی سیاست‌گذاری های گوناگون تبلیغاتی سیاست روحا نیونی که موقعتاً به منطقه می‌آمدند.

ه) وجود جوانان مسلمان آشنای به دردهاکه از سالها قبل از پیروزی با هدایت بعضی برادران متوجه و آگاه حوزه‌های قدیم و جدید دروس دینی و دانشگاهی، در گوش و کنار شهرها جلسات دینی و بررسی احکام اسلامی داشتند و به هدایت و تبلیغ دیگران همی پرداختند و برای رسیدن به روزهای انقلاب و پیروزی و حکومت اسلامی بسیار لعل داشتند و در جریانات قبل از پیروزی انقلاب اسلامی در منطقه و در دیگر شهرهای کشور در ارتباط با

حوزه‌های قم و تهران فعالیت داشتند؛ و بعد از پیروزی انقلاب از میزبان گرانبهای خون شهیدان هر چه بیشتر حمایت کرده و به دفاع از حریم آن پرداختند و در برابر حادثه‌ها و تبلیغات سوء و شیطنت‌ها برای تخریب چهره‌شان نهارسیدند و بر خود تکلیف می‌دانستند که مقاومت کنند تا انقلاب به راه خود ادامه دهد.

و) سوابق سوء و قایع شهریور بیست و توده بازار سالهای ۳۲ و آن همه

سرسپردگی‌ها، فرارها، خودخواهی‌ها و تغییر چهره‌دادن‌های مدعيان حمایت از توده‌های مستضعف که ظرف چند روز نگ عوض کردند و چهره واقعی خود را نمایاندند و مردم بیچاره را بی‌حامي گذاشتند و به حال خود رها کرده بودند؛ و بسیاریشان مداعحان رژیم شاهی شدند و به خانه و مقام زندگی‌ها مهاجرت کردند.

ز) آمدن هیئت‌های تبلیغی از برادران متوجه و دلسوز روحانی و غیر روحانی به منطقه به طور متناوب در تماس با مردم شهرها و روستاها و بیان حقایق انقلاب و واقیعیات حوادث و روشن چهره صادق بزرگان از علمای دین و زعمای انقلاب و چهره‌های کامپ و منافق‌گونه رهبران چ و راست و آگاه کردن مردم به وظایف دینی شان خاصه در این برده‌های از انقلاب در برابر بیگانگان و باستگان به ضد انقلاب.

ح) رفتن به روستاها و برقرار کردن تماس هر چه بیشتر با مردم روستا از طرف گروههای مذهبی، مسئولین امور و نهادهای انقلاب و بررسی دردها و مشکلات مادی و معنوی آنها در حدود امکانات و باوراند از انقلاب و آمادگی به خدمتگزاری برای روستائیان در ذهنشان.

ط) تلاش‌های پیگیر نهادها بخصوص جهاد سازندگی از همان روزهای اول تشکیل در بسیاری از روستاهایی که ضد انقلاب برای آنچه‌ها برنامه داشت. بخصوص مناطق جنگل‌نشین دیلمان، سیاهکل، روستاهای

شهرستان رودبار، روسر و در پاره‌ای از روستاهای هشتپر که در بعضی از این روستاها تا بدانجا انقلاب به باوری رسید و روستایان به انقلاب همراه شدند، که گاهی گروههای چپ به عنوان دروی گندم به آنجاها رفتند، روستایان با داس آنها را دوانیدند و گفتند: «شما آمده‌اید زندگی ما را نجس کنید!» و یا گاهی به آنها گفتند: «اگر من بعد برای برنامه‌های خود ضد انقلابی به این مناطق بیاید مثلاً سبیل‌های ایشان را آتش می‌زنیم»^{۱۰} می‌گفتند.

پناه بودن بسیاری از جوانان مذهبی و علمای منطقه برای مردم مضعف، چه قبل از پیروزی و چه بعد از پیروزی انقلاب اسلامی که در زمان طاغوت نیز این افراد متدين در تماس با مردم (روستایان) فعدال‌زاده و خان‌گزیده و دیگر محرومین، بازگوکنندگان دردهای ایشان بوده و در صدد حل عقده‌ها و گرفتاری‌های ایشان بر می‌آمدند و از طریق کمک‌های بلاعوض نقدی و جنسی، قرض‌الحسنه‌ها، جلسات دینی و تدریس و احکام دینی آنها را به زندگی اسلامی و انقلاب امیدوار می‌ساختند.

موسسه مطالعات مبارزات اسلامی

اینها و دهها دلیل دیگر مانع از آن بود که ضد انقلابیون بتوانند به مقاصد شوم خود برسند، بلکه با افشاگری‌ها روز به روز رسوایی شدند. و این مردم محروم از فرهنگ جامع و گسترش اسلامی از همان روزهایی که فشار حکومت کمتر شد و حقایق اسلامی به آنان کم و بیش عرضه شد با انقلاب همراهی کرده و عزیزان خود را در راه انقلاب و به ثمر رسیدن آن اهداء کردند و می‌کنند.

با وجود همه آگاهیها و زمینه‌های نسبی فوق الذکر ضد انقلابی

کمین نشسته بود تا در فرصت مناسب قد علم کند و بالاخره وقایع بنی صدر، منافقین و دفتر هماهنگی بالا گرفت و در استان گیلان نیز مثل سایر استانها حرکت‌های تحریک‌آمیز چند چهرگان به راه افتاد و بلکه این استان را مستعدتر می‌انگاشتند ولذا در حمایت از بنی صدر مخلوع به بهانه شورای بازارکه مشکل از مشتی افراد ناآگاه، فرصلت طلب و وابسته به جبهه ملی و... بوده است طی سه اعلامیه بازار را به تعطیل کشانده و به اقدامات دولت اسلامی و نیز دادگاه انقلاب اسلامی در برابر خاطیان و متعدیان اعتراض کرده‌اند که مفاد عبارات اعلامیه‌ها^{۱۱} نشانگر آن است که متن آن از پیش به

۱- اطلاعیه شماره ۱ بازاریان رشت:

به نام خدا - هموطنان مسلمان رشت! میهن خوبنارمان در شرایطی بس حساس و خطیر قرار گرفته است، عوامل استبداد و دیکتاتوری دویاره رخ نموده است، رئیس جمهور قانونی و منتخب مردم در آستانه حذف و برکناری کامل قرار گرفته است، انحصار طبلان تازه به قدرت رسمیه سرمدست از باده‌های در مسیر حاکمیت طبلی‌های افسارگی‌ساخته خود از هیچ پلیدی فروگذار ننمودند و وقتی تحمل یک یا دو روزنامه غیر حکومتی را که در بیان حقایق کوشش بوده‌اند را نیز نداشته و دست به تعطیل آنها و بویژه روزنامه انقلاب اسلامی زده‌اند،

وسیله وابستگان به گروهکها تهیه شده است و تحقیقات بعدی نیز این حقایق را روشن تر ساخت. برخلاف فرمان امام تحت تحریکات سران جبهه ملی و اعلامیه های کذا بی، اقدام به بستن بازار کردند و گروهکها نیز پشت این جریان جاگیر گرفتند تا بازیگری کنند.

در امتداد این حرکت تعدادی از پژوهشکاران وابسته به گروهکها و آنها که از انقلاب اسلامی دل خوش ندارند، (زیرا مانع از زاده اماده آلدگی ها و اعمال فساد آورشان شده است) با ضد انقلاب همراهی کرده و اقدام به بستن مطب هایشان کردند، که شهید انصاری برادران مؤمن را جهت شناسایی آنها اعزم داشت. و یا بر اثر سهل انگاری حلواد یازده نفر (بچه) در یک شب در اطاق عمل یکی از بیمارستان های رشیت مردند. بر اثر آگاهی نسل انقلاب

قدرت پرسنل حزبی در مسیر حفظ آژطبی هایی بی پای خود به هر کاری دست خواهد زد و اگر خروش اعتراض سراسری مردم و تمام اشتارو طبقات مردم جلوه دارشان بشاید از تعزیز و تجاوز به حقوق هیچ طبقه و قشری خودداری نخواهد کرد. همه یعنی اینکه این اعضا اینقدر برای تحکیم حکومت بی پایه و غیر مردمی نشود، هزاران نفر را در گوش و کار دستگیر و ددها تن را به خاک و خون کشیده اند.

رادیو و تلویزیون حزبی و روزنامه های وابسته به حکومت هیچ کدام از اخبار و قایع مریوط به جنایتهای ارتجاعی حاکمان را منعکس نمی کنند. در این شرایط حساس بر عهده هر مسلمان متنهای از هر طبقه و شتری است که صدای اعتراض و فریاد خود را نسبت به این ازادی به قدرت خزیده، به گوش جهانیان برسانند و لذما بازاریان مسلمان و متعهد رشت، بازار رشت را از روز یکشنبه ۲۴/۰۶ برای اعتراض و هشدار، به مدت دو روز تا تاریخ ۲۵/۰۶ تعلیل اعلام نموده و از تمامی مردم قهرمان رشت و همکاران محترم تقاضا می کنیم که به اینکی مستولیت های اسلامی و مردمی خود در این رابطه پردازند. بازاریان مسلمان و متعهد رشت ۲۴/۰۶

(ابوالحسن کربیمی، استوانه های یقین، تهران، انتشارات ستاد مردمی، ۱۳۶۷، ص ۱۹).

اسلامی اجنبی خواهان شناسایی و مورد تعقیب قرار گرفتند و با تشکیل شورای اسلامی بازار مرکب از افراد مستضعف و مسلمان بازار، غائله خوابید و دست ضد انقلابیون از بازار کوتاه شد. همزمان با واقعه جانگذار شهادت

این کشور ^{۱۷} تقریباً حزب جمهوری اسلامی، برادر شهیدمان انصاری استاندار گیلان به همراه معاون عمرانی خود برادر نورانی بدست نابخردان و بیگانه خواهان به فوز شهادت رسیدند و مردم به کمک پاسداران و سپاهی و نهادهای انتظامی و دادسراهای شناختند و فوج فوج وابستگان به گروهکها را معرفی و درخواست تعقیب و رسیدگی به سوابق اعمال ضد انقلابی شان را نمودند و

نیز عاملین جنایات استان را معرفی و گاهی دستگیر و به نهادهای مربوطه تحويل می دادند. به دنبال شهادت برادران فوق الذکر، ترورها در سطح استان

به خصوص شهرهای غربی گیلان به طور قابل ملاحظه افزایش پیدا کرد و هر

روز یا یک روز دو میان یک یا چند ترور در سطح استان صورت می گرفت و

مردم در راهپیمایی ها و تشبیع جنائزهای خواهان رسیدگی و قاطعیت اسلامی

از ادادگاهها و مسئولین بودند.

بر اثر پیگیری برادران سپاهی و بسیجی، خوشبختانه بسیاری

خانه های تیمی و شاخه های نظامی شناسایی و عاملین بسیاری از توشه ها

(تروها و انفجارات) قبل از اقدام دستگیر و زندانی شدن، از جمله شاخه

نظامی دارای برنامه ترور فرماندار لنگرود و انفجار ساختمان فرمانداری و

دستگیرشدگان با میل خودشان بسیاری اطلاعات سازمانی را ارائه و سبب شناخته شدن توطنه‌ها و هواداران دیگر شدند و از طرفی با اعلام آمادگی جهت توبه و گفتن حقایق در حضور مردم یا در تلویزیون محلی یا در اجتماعات و راهپیمایی‌ها و نمازهای جمعه شرکت و برنامه اجرا می‌کنند و اکنون هر هفته قربت یکصد نفر و گاهی بیشتر از تائین بازداشتگاه سپاه لاهیجان به نماز جمعه می‌روند و در عاشورای امسال حدود یکصد و پنجاه نفرشان به میان مردم آمده و بلال جمع عزاداران امام حسین علیه السلام در عزاداری و مراسم روز عاشورا شرکت کردند^{۱۰} در زندانهای دیگر نیز کم و بیش این فعالیتها جریان دارد. اخیراً دادستان محترم کل انقلاب اسلامی ایران جناب حجۃ الاسلام سید حسین موسوی تبریزی که برای شرکت در سمنیار به چالوس تشریف آورده بودند، جهت بازدید از بازداشتگاه سپاه وارد لاهیجان و سپاه شدند؛ تعداد قابل توجهی از تائین حضورشان برنامه‌هایی چند اجرا کردند و سرو دسته جمعی اسلامی خواندند و... اکنون نیز تلاش‌های مستمر و آگاهانه مردم مسلمان‌لار سطح استان جهت خنثی کردن توطنه‌های ضد انقلابیون ادامه دارد.

مطلوبی که ذکر شد کلیات وقایع بود و از شرح جزئیات و نیز ذکر پاره‌ای از وقایع احتراز به عمل آمده از قبیل واقعه کوچصفهان و سخنرانی مرحوم لاهوتی و درگیری مسلحانه، جدا کردن جمع قلیلی از مردم را از جمع

جهادسازندگی که روز قبل از اجرای طرح، افراد شاخه دستگیر و بعد از تحقیقات و رسیدگی به سزای اعمالشان رسیدند. فاجعه جانگذار حمله به بسیج لهمجان و کشتار بیرحمانه پنج تن از بچه‌های روستاییان مستضعف مسلمان که در مقر بسیج، پاسداری از انقلاب می‌کردند و خود را برای این کشور پنهان نمودند و بجز این کشته شدند و نیز زخمی نمودند هشت نفر از راهپیمایی روز قدس آماده می‌نمودند و بیمارستان به شهادت رسید و برادران که یک نفر از آنان پس از انتقال به بیمارستان به شهادت رسید و مهاجمین فرار کردند، که پس از چند مدتی در جریان حمله مجدد به بسیج روستای دیگر (بازکیا گوراب) دستگیر و قبل از اقدام گروه آنان لورفته و یکی بعد از دیگری بازداشت و به سزای اعمالشان رسیدند. هماهنگی و اقدامات روستایی دیگر (بازکیا گوراب) دستگیر و قبل از اقدام گروه آنان لورفته و یکی نسبتاً به موقع افراد حزب الله در سطح استان سبب شد که بسیاری از نقشه‌های دشمن نقش برآب شود چه تنها برای شهرستان لاهیجان پیش‌بینی حداقل بیست ترور و چندین انفجار می‌شد که الحمد لله انفجارات بسیار ناچیزو یکی دو مورد ترور ناموفق و در نطفه خفه شده صورت گرفت و این هماهنگی و اقدامات سبب شد که دشمن داخلی بسیاری از مناطق لاهیجان و بزودی کلیه شهرستان لاهیجان را منطقه قرمز اعلام کرد و هواداران سازمان را توصیه به فرار و رفتن به شهرهای دیگر نمودند. برادران برای زندانیان برنامه‌های روشنگری و افشاگری و سخنرانی ترتیب دادند و با رفتارهای انسانی سبب تنبه و بازگشت بسیاری شدند و خیلی از

..... این کشور پنهان از این اقدامات بوده است و این اتفاق را در این سیاست می‌داند که این اقدامات را می‌دانند و این اتفاق را در این سیاست می‌دانند.

اقدامات جدید فرصت طلبان برای ترور شخصیت مسئولین انقلابی در ازای بعضی اقدامات به موقع استانداری و دادسرای انقلاب اسلامی، حسب انتظار، گروهی اقدام به شکایت و تضعیف مسئولین استان نمودند و به بیشتر مقامات ایران ارسال داشتند، بدون آنکه مقدمات امور را به درستی بازگویی کنند. حتی در پاوه‌ای موارد عده‌ای از مذهبیون به همراه بعضی روحاً نیون محلی طی نامه‌هایی از بعضی از افراد بدئام و ضدانقلاب حمایت و از آنها به حسن سابقه یاد کردند و این نمونه‌ها تکرار شد و در طول فریب دو سال اسباب نگرانی و سوء تعبیرات شد... جالب توجه اینکه در باره‌ای موارد برادران مسئول کشور، مسئولین استان را سبب نارسای‌های عهددها مسئولیت یک‌نهاد پنهانی تشکیلات می‌شود، حسب احساس مسئولیت دینی به چنین اقدامی دست می‌زند و خود را برای مقابله با بسیاری از مشکلات و نارسای‌ها و شیطنت‌ها آماده می‌سازد و لازم می‌بیند که اقداماتی اساسی به عمل آورد تا هر چه بیشتر شرایط به صورت اسلامی درآید و نتیجتاً اصطکاک منافع پیش می‌آید و اعتراضات و شکایات شروع

راهپیمایان روز... [۲۲ بهمن ۱۳۹۵] و اجتماع در مسجد کاسه‌فروشان به بهانه سخنرانی و افشاگری توسط مرحوم لاهوتی، آمدن‌های غضنفربر بـ سیاهکل بدون توجه به هماهنگی با مقامات سیاسی منقطعه (بخشدار و فرماندار) و سخنرانی در جمع افراد بخصوص که نوار آن قبله به بعضی از نمایندگان مجلس جهت استماع و اطلاع داده شد، آمدن خانم اعظم طالقانی به سیاهکل شب‌هنگام و در رابطه با افرادی که سوابق گرایشات چپ به اصطلاح اکثریتی داشته و بعضی‌شان به ظاهر میل اسلامی پیدا کرده‌اند و بعد رفتن ایشان به مناطق حساس جنگلی (لوتک دیلمان) و نیز منطقه لفمجان بعد از واقعه کشتار شب قدس ز...



موسسه مطالعات مبارزی

موسسه مطالعات مبارزی (MBSR) یکی از موسسات اسلامی است که در ایران و عربستان و عراق فعالیت دارد. این موسسه در سال ۱۳۷۰ در ایران تأسیس شد و در سال ۱۳۷۴ در عربستان و در سال ۱۳۷۶ در عراق فعالیت آغاز کرد. موسسه مطالعات مبارزی در ایران و عربستان و عراق فعالیت دارد. این موسسه در سال ۱۳۷۰ در ایران تأسیس شد و در سال ۱۳۷۴ در عربستان و در سال ۱۳۷۶ در عراق فعالیت آغاز کرد.

می‌گردد. اما لازم است بنگریم شاکیان کیانند و چه سوابقی دارند؟ و مشاکیان کیانند و چه سوابقی دارند و بر چه مبنای کار می‌کنند؟ گاهی بعضی از افراد مذهبی از شکایات متعدد افراد فرصت طلب علیه یک برادر جوان مستول متأثر شده و حاضر به امضاء شکایت نامه می‌شود که بعد از چندی متوجه می‌شوند که قضیه برخلاف بوده است و یا آنکه هنوز مواف است با افراد فربیکار که با حیله‌گری خود را پیش بعضی از روحانیون و مذهبیون خوب معرفی می‌کنند و انتظار بهره‌گیری‌های سوء به نفع خود دارند. و متأسفانه از این مسیر گاهی تعدادی قابض توجه از روحانیون محلی طی استعلامیه‌ای، افراد بدنام و منحط را تأیید و علیه مسئولین مسلمان شکایت تنظیم می‌کنند و سبب دلسردی برادران متعهد از پذیراشدن مشکلات و عهده‌دار شدن مسئولیت‌ها می‌شوند. همچنین در مواردی از تصمیم‌گیری‌ها نهادها و تشکیلات وابسته به دولت اسلامی به جای آنکه مسائل و مشکلات ابتدا با مسئولین استان و دولت اسلامی در میان گذاشته شود و در صورت لزوم و در وقت مقتضی آن هم به طور پخته و نتیجه‌گیری شده‌با مردم در میان بگذارند، متأسفانه بی‌موقع و ناپخته و گاهی برخلاف واقعیات در نمازهای جمعه و اجتماعات مطرح می‌شود نه تنها بازدهی مثبت به نفع جمهوری اسلامی ندارد بلکه بین مردم مسلمان و دولت اسلامی فاصله و دوگانگی ایجاد می‌کند. مثلاً در امر خرید برج و عرضه آن به دولت اسلامی

توسط رستاییان، اوائل مردم به تدریج آمادگی جهت فروش برج به دولت پیدا کرده بودند و مقادیری نیز برج به دولت عرضه کردند، اما به سبب تبلیغات بسیاری، بخصوص در نمازهای جمعه علیه قیمت برج مبنی براین ^{پیشنهاد} کشورهای خارجی می‌شود و باستی دولت گرانتر بخرد، مگر دولت تاجر است که ارزان بخرد و گران بفروشد؟ یا بیشتر از هزینه‌های خرید بفروشد و... بدون توجه به پایه بودن نرخ خرید برج جهت پائین آوردن نرخ اجناض و مایحتاج عمومی دیگر و نیز زنانهای حاصله از عدم اعتماد مردم به دولت اسلامی در پی سخنرانی‌های پی در پی در نمازهای جمعه، چه اگر دولت مجدد اکلوبی حتی پنجاه ریال به قیمت خرید برج بیافزاید (بفرض معقول بودن) و شاید نتواند جبران بی میلی و عدم اعتماد نسبی فراهم شده نسبت به دولت اسلامی را بکند، اگرچه خوشبختانه اعتماد مردم به دولت اسلامی و احساس یگانگی مردم و دولت دارای معیارها و مبانی بس عظیم تر و معمولی است و با این مسائل موقتی و کوچک خدشه‌دار نمی‌شود، اما نمی‌توان حقایق و واقعیات ^{ملموص} را نیز نادیده گرفت، به همان دلیلی که بالاصله بعد از تبلیغات همه جانبه مذکور بسیاری از رستاییان منطقه حداقل به انتظار قیمت بیشتر از عرضه برج خودداری کردند و... حال آنکه بعدها دولت اعلام کرد به کشاورزانی که برج خود را به دولت فروخته‌اند در سال آتی وسائل کشاورزی از بذر و کود و ماشین آلات کشاورزی داده

می شود، (احتمالاً به طور رایگان یا با حداقل هزینه) و این راه یکی از راههای معقول و جبران‌کننده زیان‌های مادی و معنوی عرضه برنج به قیمت ارزان است و نیز می‌تواند عامل مشوّقی برای تولید بیشتر و عرضه بیشتر به دولت و نیز قیمت ارزان‌تر مایحتاج عمومی از جمله برنج در سالهای آلتی باشد. یا مثلاً گاهی چهره‌های خوب و خوش‌سابقه و دلسویق‌انقلاب اسلامی که مسئولیت‌های چشمگیری در منطقه به عهده دارند صرف عدم توجه به یکی دو توصیه بعضی از افراد سرشناس یا آنها که توقعاتی دارند، و ای بسا توصیه‌های نایجاً و یا حداقل بی توجه به سوابق توصیه شونده و یا حدود امکانات قانونی موضوع، به عمل می‌آیند سبب می‌شود که رأی به بی‌کفایتی آن برادر مسئول داده شود و به یکباره در نماز جمعه یک شهرستان بی‌مقدمه او را به باد انتقاد و بدگویی بگیرند، گاهی موضوع به قدری حاد و نامائوس و انتقاد شونده تا آنجا فرد موجّه و خوبی است که اکثر مستمعین با نگاه‌های تعجب متوجه یکدیگر شده و از اشتباوه وی موضع گویی متكلّم مضطرب می‌شوند و تا مدتی بعد از آن روز جر اطراف موضوع و اشتباه گوینده پا هم صحبت می‌کنند و نیز بر همین روای گاهی در صدد جابجایی یا برکناری افراد خوب و خدمتگزار بر می‌آیند. و در مقابل بسیاری افراد بدسابقه و بدnam و امروز نیز اسباب اذیت مردم می‌باشند، در مسئولیت‌های خود باقی می‌مانند. چون این برادران حزب‌الله نزدیکترند و مسئولیت‌های انقلابی به

عهده دارند بیشتر در تیررس بوده و زودتر در معرض انتقاد و تصمیم‌گیری قرار می‌گیرند، که این جابجایی و برکناری‌های سریع بر مبنای دلایل غیر موجه اسباب تضعیف و دلسوزی برادران جوان و مؤمن به انقلاب اسلامی این کشور پیشنهاد و رواییه مستعد پذیرش مسئولیت‌ها را از آنها سلب می‌کند بخصوص در پاره‌ای مواد از اتفاق اد مسئول را به ناحق با عیوبی غیرمنتظره و برچسبهای تقریباً غیر اسلامی معترض می‌کنند، تا به آنچه را که اراده کرده‌اند از تعیض و تضعیف آن افراد برسند.

ناگفته نماند که در بسیاری موارد هم فرست طلبان اذهان گویندگان بی‌نظر را پر کرده و با فراهم کردن شرایط اغفال، تلاش در وصول به اهداف شیطانی خود می‌کنند که حداقل آن اهداف متفرق کردن جمع متحده مسلمین است. اینجا می‌توان استناد به بیان اخیر فقیه عالیقدر حضرت آیة الله العظمی منتظری^(۱) کرد که در وزنامه کیهان مورخ یکشنبه اول آذرماه

از قول ایشان آمده است:

«جزیانی مریموز دیکار است، تانیرهای در خط امام را از یکدیگر دور کند.» و نیز امام امت در دیدار با سرپرستان، مسئولین بخش‌های مختلف

بنیاد مستضعفان و بنیاد امور جنگ‌زدگان فرمودند:

«شیطان‌هایی هستند که برادرهایی که برای خدا دارند کار می‌کنند آنها

۱ - لازم به ذکر است که استفاده از عناوین و القاب مذکور در مورد مشاراالته مربوط به زمان تأثیف کتاب است.

فلان برادر مسلمان می‌دهند و اسباب امیدواری و حرکت دوباره دشمنان در حال مردن داخلی می‌شوند و آنها دوباره جانی تازه علیه انقلاب و خدمتگزاران به جمهوری اسلامی می‌گیرند.

را می‌خواهند سست کنند.»

(جمهوری اسلامی - چهارشنبه ۴ آذر ۱۳۶۰ - شماره ۷۱۹ - سال

سوم)

همچنین فرمایش حکیمانه آیت‌الله منتظری در پیام به مناسبت هفتة
عویاکون بر سیاست این کشور پهناور سایه افکند: اما زنگی ثیب مردم گیلان را

این دستهای مرمز و فرصت طلب از کمترین فرصت فروگذار نمی‌کنند و برای به هم ریختن اوضاع و متفرق کردن جمع برادران مسئول و مذهبی در همه جا تلاش‌های مذهبی و گاهی دوست و همراه دلسوز انقلاب را برای چنین اقداماتی آماده می‌سازند، بخصوص با تبلیغات سیار و وارونه نشان دادن واقعیات در ترد مسئولین بالای مملکتی، از جمله اخیراً با شکل گرفتن ستاد بازرگانی در سطح کشور، بسیاری از این فرصت‌طلبان دست‌بکار شده‌اند تا شاید از این طریق طرفی بسته و به

اهداف کوتاه مدت شیطانی خود نائل شوند و متأسفانه برادران مسئول ایت تشكیلات نیز آنطور که شایسته است، شکایات را در محل و در رابطه با مکان وقوع جریانات و افراد (متشاکیان) و بخصوص زمینه‌های وقوع جریانات مورد رسیدگی قرار نمی‌دهند، بلکه گاهی بی‌توجه به زمینه‌های فراهم شده از ناحیه ضهاءقلابیون و منزع از همه آنچه که برای تضعیف جمهوری اسلامی فراهم کرده بودند، رأی به بی‌کفایتی و خلاف قانونی عمل کردن

ایمان

مبارزات اسلامی گیلان

www.rang-eiman.com

و بنی صدر فراری نزد مرحوم حجت‌الاسلام قدوسی شکایات می‌بردند اما آن مرحوم همه را جواب منفی می‌فرمود؛ شاید آگاهی بیشتر از مشکلات منطقه و از برنامه‌های غیر اسلامی بعضی شاکیان بخصوص در رابطه با دفتر همانهنجی و نیز تا حدودی آگاهی از سوابق دینی مشاکلی بوده است که این فرصت طلبان پنهان شده اند سوی مرحوم شهید قدوسی طرفی نمی‌بستند. فرصت طلبان حتی از قبل بعضی روحانیون محلی که شرح احوالاتشان در اوائل نامه آمده، اقدام به شکایات می‌گردند؛ منتهی بعضی از مسئولین بالای مملکت چون از چنگونگی اوپر اوضاع مطلع بودند به گونه‌ای عمل می‌گردند که این شیاطین مأیوس می‌شدن و برای مدتی کوتاه به ظاهر آرام می‌گرفتند. خلاصه شکایات متعدد مبنی بر خلافکاری‌ها به تهران فرستادند و گاهی با تماسهای تلفنی بجای بیان واقعیات و بی خبر از محتوا پرونده‌ها به تحریب چهره‌های فرزندان انقلاب اسلامی می‌پرداختند و گاهی نامه‌هایی مستضیغین و جمهوری اسلامی دست برنداشته‌اند) به عنوان خط امامی بودن و دلسوز انقلاب بودن به امضاء عده‌ای قابل توجه از روحانیون محلی تهیه و به تهران فرستادند. جالب توجه اینکه به جای رسیدگی به پرونده فردی متشخص از جبهه ملی با تمام عملکردهای ضدانقلاب اسلامی و

بازتابها و پیامدهای توقيف دو تن از قضات منطقه

از جمله مقارن با انفجار دفتر حزب جمهوری اسلامی پنهان شده اند تهران و شهادت ۷۲ تن از باران ممتاز امام و انقلاب اسلامی، با بنابر سوابق موجود و عملکردهای خلاف مصالح انقلاب اسلامی و تقویت‌کننده بنیه ضد انقلابیون که شرح فهرست وار و آن پیوست نامه می‌باشد و احتمال فرار و قوع جریاناتی مشابه آنچه که در این چند ماه واقع شده می‌رفت، با تماس تلفنی با مرحوم شهید قدوسی دادستان محترم کل انقلاب اقدام به دستگیری ۲ نفر از قضات، یکی از دادگستری شهرستان رشت و دیگر از دادسرای انقلاب اسلامی رشت گردید که مطالعه خلاصه پرونده ضرورت این اقدام را روشن تر می‌سازد و می‌نماید که چلو چه اقدامات احتمالی علیه انقلاب اسلامی گرفته شده است.

متأسفانه از همان چند روز اول دستگیری و توقيف این دو نفر، بسیاری از وابستگان به اینان و آنها که فرصت می‌طلبیدند شروع به اعلام شکایات کردند و بخصوص بعد از شهادت مرحوم قدوسی به اقدامات بیشتری دست زدند. زیرا قبلاً در موارد عدیده‌ای حتی از قبل مرحوم لاهوتی

جبهه گیری در برابر بزرگانی چون مظلوم شهید بهشتی^(۱) و نیز امام بزرگوار، هنوز نامه های تأیید برایشان نوشته می شود^(۲) و این شخص آقای دکتر حبیب داوران عضو شاخص جبهه ملی گیلان است که اکنون در زندن بسر می برد و پرونده تقریباً سیصد صفحه ای او در دادسرا مطرح است و ایستادن

گیلان بر سیاست این کشور به عنوان سایه افکند: اما دنگی

- اشاره به دکتر حبیب داوران اولین استاندار گیلان در بعد از انقلاب اسلامی شکلات جبهه ملی استان) است. ایشان در نامه سرگشاده شش صفحه ای خواه طلب به شهید مظلوم دکتر بهشتی پس از نثار منشی اهانت و افترا می نویسد: «آقای بهشتی: حقیقت این است که رکلیه امور کشور از زمان پیروزی انقلاب تاکنون، یا مستقیماً دست شما بوده یا دست پارانتان، دولت موقت با بودن شما و جزیتان عملاً هیچ کاره بوده، رئیس جمهور نیز پا در زنجیر شما داشته و دارد، بنابراین به حق شما مسؤول همه نابسامانی های رنج اور و مایوس کننده ای مستیدیکه بر کشور سایه افکند است. ریگوئید که در برابر همه این سیاهیها و تیاهی کدام نقطه روشن در کارنامه شما می درخشید! اشغال اسلام را رضاخان و پسرش مقایسه کنید... حزب شما و جمهوه ملی هر دو به موجب یک قانون به وجود آمدندانه، اما یکی به خواست شما تدریجی و در صدر نشینید (چون از خود فیلم است) و دیگری به خالک مذلت افتد چون نکبرگوی اعمال شما نیست. شما از رضاخان و پسرش دیکتاتور مسید و قانونشکن ترا آقای بهشتی: آن هم از دادگاه انقلابی تان، که همه جهانیان راز هر چه جهانیان را زندگانی کرد و بار دیگر حاضره حکومت کشیشان رادر قرون وسطی در هدن ایوان ایان زنده نموده شما آزادی را فقط که هم صنفان خود می دهد و این اختصار آزادی است و آن همان استنداد، این گونه آزادی را میتوان به پیهای سیاهان خود، موسیلیتی به پیهایان خویش مرحلت کرده بودند.» (ابوالحسن کریمی، استوانه های یقین، ج ۴، ص ۳۱)

- در بخشی از نامه نماینده امام و امام جمعه رشت خطاب به دادرسای محترم انقلاب اسلامی استان گیلان - رشت (مورخه ۱۸/۹/۶۰) چنین آمده است: «... چرا مردی مانند دکتر داوران که یکسال و نیم بیشترین تلاش را برای جمهوری اسلامی نمود و استان پراشوب را حفاظت کرده، زندانی است؟ اگر مرتكب جرم و اشتباه شده چرا محکمه نمی کنید و چرا بازجویی ننموده اید و پرونده به قاضی شرع محترم نداده اید و چرا تا حال منع الملاقات می باشد و دو فرزندش در خارج از کشور ارزنگرفته اند و از طرف دادستانی می گویند تائید نشده است و اگر مجرم نیست چرا آزاد نمی شود؟...»(همان منبع - ص ۴۰).

متهمن اصلی جریان بسته شدن بازار رشت در وقایع خرداد ماه ۶۰ به حمایت بنی صدر مخلوع در مقابله با فرمایشات امام است و... که بسیار لازم است پرونده اش دقیقاً موشکافی و مورد رسیدگی توسط یک هیئت بدون نظر و مستقل الرأی قرار گیرد.

برخورد ناصواب و جانبدارانه نماینده اعزامی بازرسی کل کشور
کمیسیون بازرسی بجای رسیدگی دقیق و اعزام یک هیأت به منطقه و
تماس هیأت با شاکیان و مردم مناطق وقوع خلافهای مذکور در پرونده‌ها و
متشاکیان مستضعف برادران سپاهی و بازاریان مسلمان و دلسوز و بعضی

طلاب آگاه و معتمد جوان ... فقط یک نفر را مأمور رسیدگی نموده و به
منطقه اعزام می‌دارد که البته او را جهت بازرسی به امور دادسراهای انقلاب
استان و از جمله رسیدگی به پرونده‌های فوق اعزام می‌دارند، ایشان مدت
دو هفته در سراسر شهرهای استان به اصطلاح مشغول بازرسی دفاتر
دادسرای انقلاب می‌شوند و در مورد ۲ پرونده مطروح نیز از همان روز
وروودشان به رشت به جای استفسار از محتویات پرونده، با مسویین دادسرای

دادستانی جبهه گرفته و اعلام کردن که این پرونده‌ها محتواهی ندارد و پوچ
است و به گونه‌ای برخورد کردن که جزو یک سابقه ذهنی انباشته از بدینی
و جبهه‌گیری قبلی حکایتی نمی‌کرد و جالب اینکه از همان ابتدا با بعضی‌ها
که از شاکیان بوده‌اند برخورد صدرصد دوستانه و حاکی از سوابق آشنازی و
تلفن‌ها داشته و بر ما معلوم بود که نتیجه این بازرسی چه می‌باشد. ایشان

بالحدی از مردم مستضعف و محل‌های وقوع جرائم و نیز زندانیانی که از
دست دادیار دادسرای انقلاب (آقای خاوران) شکایت داشتند تماس
نگرفت، به آنچه که در خردادماه در استان گیلان و نیز در بازار رشت واقع
شد توجهی نکرد، به دستهای متشكل سازمانی که ترتیب دهنده جلسات
سری در راسته پرونده‌ها بجهه ملی علیه فرمایشات امام امت بوده است اهمیتی
نداشت، به صحبت‌های شناسنامه در دادگستری استان گوش نکرد، به پرونده سازی‌های عمدانه علیه
کارکنان دادگستری استان گوش نکرد، به فرزندان اندختن این فرزندان و تضعیف نهادهای انقلاب
فرزندان انقلاب و به زندان اندختن این فرزندان و تضعیف نهادهای انقلاب
اسلامی و پرویال دادن ضد انقلابیون و نیز صدور اطلاعیه‌ها و
اعلامیه‌های محلی و مصالحه‌ها از سوی وابستگان به گروهکها و در
ارتباط با متهمنین مذکور نپرداخت بلکه تنها با چند نفر از همان برادرانی که
تلفنی خواستار این قضایا بوده‌اند و رسیدگی سریع را طالب بوده‌اند! و نیز در
زندان با خود متهمنین تماس گرفته و سرانجام آنچه را که از قبل پیش بینی می‌
شد، بیکتوب و ارائه دادند. این برادران بازرس، گاهی به جای گوش کردن به
دردهای افراد دادسرا و بچه‌های مذهبی، هرچه بیشتر آنها را متمم می‌کرد که
شما چه ها کردید، شما بودید که با فلان متهم فلان برخورد را کردید، آقای
دادستان بودند که با مرحوم لاهوتی آنچنان برخورد کرد، در جریان دانشگاه
گیلان (انقلاب فرنگی) فلان طور عمل کرد، در راهروی دادسرا با فلان

متهم چه کرد و نظایر اینها، و حال آنکه تمام اینها شیطنت هائی بوده که ضد انقلاب بدانها توجه داشت و با مشورتها و اقدامات هماهنگ سپاه، استانداری، جهادسازندگی و... از جمله دادسرای انقلاب خشنی می شد و تا آنجا موقتی بدست آمد که الحمدالله... امروز برخلاف انتظار بیگانگان، گیلان و بسیاری از شهرهای این استان از موقتی معنوی و اسلامی^{آجوان} برخور دارند. اگر چه هنوز ریشه های بعضی منحرفین و اتحارف هاباقی است و دنبال فرصت اند تا رشد کنند اما امیدواریم این آرزوها را به گور ببرند.

با کمال تأسف، آقای علیزاده گزارش آنچنانی را به تهران داد و برادر محترم آقای محقق داماد نیز بدون اینکه بختی یکبار تلفنی یا دادستان گیلان تماس داشته باشند و یا از نزدیک او را بینند و هنوز قصایداً دقیقاً موشکافی نشده و آنطور که انتظار می رفت تحقیق به عمل نیامد، ایشان در تلویزیون سراسری و نیز در روزنامه کیهان، آذربایجان مصاحبه کرده و اعلام می دارند: که دادستانی گیلان تخلفاتی مرتکب شده و الی آخر گرچه در ازای آن همه از خود گذشتگی ها و جانشانی مردم مسلمان مادرجهات جنگ، اینها قابل صرفنظر کردن است، اما آیا به صلاح انقلاب است که نادانسته افراد دلسوز انقلاب و مُسلِم را ضعیف و دلسرد نموده و اسباب دلگرمی و امیدواری دیگران را فراهم کنیم؟ اگر برادر مسلمانی در شرایط بس نابسامان و ضد انقلابی در پک استان مسؤولیت استانداری، فرمانداری و نظایر آن را به عهده

می گیرد و خود را آماده پذیرش بسیاری از مشکلات می کند و تا حد توان با توطئه ها مقابله می کند و با بسیاری نارسانی تنها بخاطر وظيفة دینی صبر می کند و بدون توقع کمترین مزایا انجام وظایف محوله می کند، آیا به جای توجه به گذشته آنچنانی و شرایط مسلط از میال ضد انقلابیون، باید امروز پس از آنکه ظاهراً آرامشی به منطقه داده شد و توطئه گران عقب نشینی کردند، او را متهم وعلی رغم همه تلاشها و صداقتها کاری کرد که جز خوشحالی و موقتی داشتمون را در بر نخواهد داشت و خدای نخواسته احتمال سربر آوردن دوباره توطئه گران را به همراه خواهد داشت.

روشن است که بسیاری از برادران فرماندار، دادستانها، وقتی این مسؤولیتها را عهده می گیرند (خصوصاً ماههای اول بعد از پیروزی انقلاب و حتی در بعضی نقاط یکسال بعد از پیروزی)، اینان و ارثان یک شهر و یک استان آشوب زده بهم ریخته بودند و با عدم امکانات و گرفتاریهای بسیار شروع به کار کردند، در سیاری شهرستانها از جمله شهرستانهای گیلان، دادسرا انقلاب یا وجود نداشته و یا از تشكل و انسجام قابل توجهی برخوردار نبودند، در شهرستان رشت وضع بدان منوال بود که شرح داده شد. دادسرای انقلاب کمترین برخورد قاطع و به موقع با ضد انقلاب نداشت سیاری فرار را برقرار ترجیح می دادند و منطقه را به امید خدا رها می کردند

و به جاهای دیگر می رفتند،^(۱) کمتر کسی در گیلان پای بند می شد و دوام می آورد و بعضی شاید این منطقه را برای گرایشات کلی غیر مذهبی پیش بینی می کردند و شاید امید چندانی به آینده آن نداشتند؛ بهرحال الحمد لله امروز آرامشی بخود گرفته است. فراموش نمی شود که در وقایع دهم الی شانزدهم اسفند ماه ۵۹، شهرستان لاهیجان همزمان با قضاایی^(۲) این کشور پهلویان گذشته ها به سوراخهای خود خزید^(۳) آن روزها گذشت و دانشگاه تهران وقتی مسؤولین لاهیجان بابرادران در تهران از دادستانی کل انقلاب تا شورای عالی قضائی تماس گرفته و کسب تکلیف کردند، جواب

- ۱- ... شرایط طوری بود که همه می دانید و اگر قرار بود که قدرت دشمنان انقلاب اسلامی در چارچوب گروهک ملحد و منافق جنایتکار بروز و ظهور یکدی و مانور بدهد، بیزگرین جا توی ایران غیر از کردستان - تازه کردستان هم درآین موقع، از گیلان می رفتند کردستان - گیلان بود. با تمام قدرت آمده بودند و همه جا را قبضه کرده بودند؛ تورنت هیچ کس از آقایان جرأت نداشت بیاد بیرون! آقای احسانی خشن رفته بود تهران، آقای حسام زارور کرده بودند، آقای حسام رفته بود تو بیمارستان؛ بعد هم رخته بودند جلوی می خواستند ایشان را یکشندانه شانه رفت تهران.
- ۲- بقیه عمامه بسرهای رشت، از خانه شان بیرون نیامدند و نیامدند (جزء)، یک عدد معدودی فقط انگشت شمار... (سخنرانی حجت الاسلام والملیمین حاج مصطفی حائری فومنی در مراسم بزرگداشت شهید کریمی، لاهیجان ۷ تیرماه ۱۳۶۵).
- ۳- (بنده یاد بگویم، روایتین این شهر، عمامه بسرهای این شهر، این (حوال) عمامه نداشت اما خدمت به عمامه شما کرد، مگر همین (گروهکی) ما نبودند ناسزا می گفتند؟ اینها بی احترامی می کردند، آیروها را می برند؛ اما ابوالحسن کریمی سینه را سپر کرد جلوی همین ها ماند، بالاخره سیای همه اینها را در رسینه هایشان خفه کرد، قدرت این مرد بود) (سخنرانی آیت الله عباس محفوظی درسومین روز شهادت حاج شیخ ابوالحسن کریمی، لاهیجان، ۱۴ فروردین ماه ۱۳۶۵).

نوعاً این بود که مسؤولین تهران گرفتار قضایای ۱۴ اسفند دانشگاه تهران اندو برادران شورای عالی قضائی کمیسیون دارندو... شما بگوئی که صلاح انقلاب و منطقه است اقدام کنید و بالاخره شکر خدارا که مسائل آن روزها بادرایت مسؤولین منطقه و همراهی عمومی مردم (حزب...) حل شد و ضد انقلاب همچون گذشته ها به سوراخهای خود خزید^(۱) آن روزها گذشت و امروز بجای تقدیر و تشویق از آن برادران، بعضی ها بر اثر ساده اندیشی ها، متأثر شده از تبلیغات

حساب شده فرصل طلبان، کج تبلیقگی ها، اغراض شخصی، بی توجهی به ریشه های جریانات، نادیده گرفتن آن شرایط حساس و خدمات صادقانه و خالصانه، اعمال نفوذ در ارگانهای انقلاب اسلامی و بالاخره در پی تشكیل بعضی خطوط، در صدد تضعیف جوانان مسلمان و باسابقه منطقه برآمده و به اندک بهانه هائی آنها را با وصله های تاجور متهم و اقدام به اخراجشان از نهادها می کنند. حتی متأسفانه گاهی بدون درنظر گرفتن معیارهای روشن و حقیقت اسلامی این چووانان متدين را ضد ولایت فقیه معرفی کرده و آنها را برگزار از مسؤولیت هامی کنند. نمونه این اقدام در سپاه رشت بوجود آمده است که بعضی از بچه های مسلمان و خوش سابقه سپاه را به بهانه های واهی مورد مؤاخذه و اقدام به اخراجشان نمودند، که جداً قابل پیگری

^۱- به پاورقی ص ۳۰ مراجعه شود.

است، یا به بهانه های ناچیزی از عدم هماهنگی تصمیم به جابجایی و تعویض و گاهی برکاری فرمانداران می گیرند. ائمه جمیعه شهرستانها که لازم است نقش ارشادی درامور داشته باشند و شورای برگزاری و نظارت نماز جمیعه درایجاد هماهنگی و پیگیری امور منطقه در رابطه با امام جمیعه هر شهرستان کارکنند، متأسفانه در بعضی شهرستانها به صرف یکی^۱ دو مورد ناهمانگی و نارسانی یک نهاد یا فرمانداری تصمیم به برکاری مسؤول آن نهاد و یا شخص فرماندار گرفته و بسیار بر این اصرار می ورزند و حال آنکه بسیار ضروری است که تا آنجا که ممکن است، با نظرات ارشادی از امکانات موجود درجهت هماهنگی بیشتر بجهة بگیرند و ازایجاد سرخوردگی و دلسردی در برادران مسؤول و معهدی بپرهیزنند. و مهمتر اینکه در خطبه های نماز جمیعه این برادران را گاهی با سمعت مربوطه مخاطب کرده و آنها رامthem می کنند و گاهی موضوع تا آنجا نامأونشن است که نمازگزاران با حالت تعجب یکدیگر نگرسته و اظهار می دارند که چنین گفتاری به صلاح^{البلوه} و^و لعلوه درشأن امام جمیعه نبوده که با فرماندار مسلمان و رفعته و چنین برخورد کنند^(۱) والی آخر. تأسف اینکه بسیاری از طاغوتیان و ضد انقلابیون

۱- امام جمیعه لامیجان حاج شیخ زین العابدین قربانی درخطبه نماز جمیعه خوش به تاریخ ۶/۶ درانتقاد از آقای محمد خورشا(فرماندار وقت لاهیجان) که دراعتراض به مداخلات غیر قانونی تعدادی از اصحاب متمول و ممنون امام جمیعه درامور فرمانداری استفاده داده بود می گوید: «... آدم نیابد کله شق باشد، بکله خشک و کله خربنا باید باشد! کسی نصیحت می کند او را بپره کلاهش نخورد!... اگر او را نصیحت کردند به پره کلاهش نمی خورد استعفاء

در همان شهر در ادرات مشغول کارشکنی بوده و در سهل انگاری امور مستضعفین می کوشند و مشغول باند بازی هستند، اما به آنها یاتوجهی نمی شود و یا بصورت گذرا و اتفاقی تذکراتی داده می شود. به نظر می رسد که نماز جمیعه درایجاد هماهنگی و پیگیری امور منطقه در رابطه با امام جمیعه هر شهرستان کارکنند، متأسفانه در بعضی شهرستانها به صرف یکی^۱ دو مورد ناهمانگی و نارسانی یک نهاد یا فرمانداری تصمیم به برکاری مسؤول آن نهاد و یا شخص فرماندار گرفته و بسیار بر این اصرار می ورزند و حال آنکه بسیار ضروری است که تا آنجا که ممکن است، با نظرات ارشادی از امکانات موجود درجهت هماهنگی بیشتر بجهة بگیرند و ازایجاد سرخوردگی و دلسردی در برادران مسؤول و معهدی بپرهیزنند. و مهمتر اینکه در خطبه های نماز جمیعه این برادران را گاهی با سمعت مربوطه مخاطب کرده و آنها رامthem می کنند و گاهی موضوع تا آنجا نامأونشن است که نمازگزاران با حالت تعجب یکدیگر نگرسته و اظهار می دارند که چنین گفتاری به صلاح^{البلوه} و^و لعلوه درشأن امام جمیعه نبوده که با فرماندار مسلمان و رفعته و چنین برخورد کنند^(۱) والی آخر. تأسف اینکه بسیاری از طاغوتیان و ضد انقلابیون

واز قضایت عجلانه بپر هیزند و تنها به تماس با شاکیان و بعضی از متشارکیان اکتفا نکنند. گاهی ضروری است که قبل از اقدام مستقیم در امر مورد بازرسی، چند روزی و شاید مدت قابل توجهی در منطقه اقامت نمود و در تماس با تهوده مردم در حول و حوش موضوعات و افراد مورد نظر، اطلاعات مناسب به افکیت آورد تا بتوان همه جانبه قضایا را بررسی و خوب قضایت کرد.

۵- در بازرسیها هر چه بیشتر باید به امکانات قانونی نهاد مورد بازرسی و شرایط قبل و حال آن نهاد و مسئولین مربوطه و مشکلاتی که آن نهاد را به خود متوجه کرد التفات داشت.

۶- بازرسیها یا یک برنامه منظم و سازنده باشد و نه تنها در پی تعدادی شکایت صورت پذیرد، که گاهی شکایات روی غرض ورزیها و احقاد و خصومت هاست و قلم کردن بعضی نقاط ضعف و نارسائیهای گذشتهها به جهت درگیر کردن پراوران جزب اللهی با یکدیگر است.

۷- استفاده کردن از وجود روحانیون متعهد و آگاه به مسائل هر منطقه جهت ارشاد و سازنده‌گی بیشتر و توجه کردن هر چه بیشتر به فرهنگ اسلامی منطقه‌ها.

۸- نهادهای اسلامی را در شهرها مورد مطالعه قراردادن و امکانات فعالیت قانونی را برایشان بیشتر فراهم کردن و کارهای خوب آنها را جلوه

پیشنهادات فهرست وار برای بازرسیها

در خاتمه پیشنهاداتی فهرست وار ذکر می‌گردد: این پیشنهاداتی بر سیاست این کشور پنهان شده است.

۱- در بازرسی‌ها افراد آشنا به هر منطقه و دارای سوابقی نسبی درامور مربوطه به بازرسی اعزام می‌شوند.

۲- از وجود افراد معهود و دارای سوابق انقلابی در بازرسی‌ها استفاده شود.

۳- برای بازرسی نهادهای انقلابی از وجود افرادی که در نهادهای انقلابی تجربیات کاری دارند بهره گرفته شود، نه از آنها که با دردهای نهادهای انقلاب و نارسائی‌های ایام بعد از پیروزی انقلاب اشتباختند و یا خدای نخواسته بجهاتی آمادگی ضریل زدند به یک نهاد یا بعضی چهره‌ها دارند و دنبال کمترین نقطه می‌گردند.

۴- بازرسی‌ها واقعاً غیر مغارضانه و خالی از هرگونه پیشداوری صورت گیرد و معمولاً هیأتی مأمور بازرسی شوند و هرچه بیشتر با افراد بی غرض و آشنا به مسائل منطقه تماس بگیرند تا سوابق اوپر اس سیاسی - بدهستان بررسد

همه جانبه امور در تماس با اقسام مختلف.

۱۴- مطالعه جدی و همه جانبه در مشکل استانداری گیلان و استاندار

فعلی آن.

۱۵- ضرورت رسیدگی به پرونده افرادی چون دکتر حبیب داوران توسط هیأت حکمکاری به مسائل انقلاب اسلامی و مستقل الرأی.

۱۶- توجه جدی به مسائل جنگل در گیلان و مازندران داشتن و تلاش

حساب شده برای ریشه کن شدن دست اندکاران.

۱۷- توجه جدی به سپاه منطقه و آنچه از خطوط احتمالی در آن می گذرد و اقدام برای به تصویب رئیسین اساسنامه سپاه کشور که ظاهراً در کمیسیونهای مجلس مانده است.

۱۸- مطالعه گستره و حساب شده در مورد واحدهای اطلاعات و

پژوهی سپاهیهای منطقه و سربرستیها، از جمله سپاه شهرستان رشت.

۱۹- فراهم شدن وسائل دلگرمی و پشتونهای معنوی برادران

خوب سپاه بخصوص واحدهای اطلاعات.

۲۰- به مسائل غرب گیلان بخصوص هشتپر، رضوانشهر و پره

سراهمیت بیشتر دادن و حل مشکلات با مشورت مسؤولین محلی و کسب

نظر از برادران متعدد منطقه و احتراز از هر گونه سازش احتمالی با بعضی

مفاسدین.

دادن و آنها را تشویق نمودن.

۹- وادار کردن روحانیون متعهد محلی [ایومی] به برقراری تماس با نهادها و به آنها سرزدن و هر چه بیشتر کارکنان نهادها را تشویق کردن و اشراف معنوی بر امورشان داشتن.

۱۰- باز داشتن افراد غیر مسئول - به بهانه مختلف - از هیجانات در امور نهادها و به هم ریختن نظم و انصباط داخلی نهادها و آیجاد روح بدینی به گونه های خاص.

۱۱- تشویق ائمه جمیع به ذکر فعالیتهای اسلامی و کارهای برجسته نهادها و تشویق برادران حزب الله در حضور مردم و حتی المقدور، احتراز از ذکر نکات تضعیف کننده دولت و مسئولین و برادران حزب الله به بهانه های غیر اساسی که نتیجه به نفع ضد اقلاب می باشد.

۱۲- خودداری کردن از سپردن مسئولیتهای بازز [کلیدی] اداری و ریاست اقلاب اسلامی به افزایش بدساقه؛ ولو [[آن تعداد از]] روحانیون محلی که سوابق آشکاری ذهن را با برنامه های طاغوت داشتند و یا در جلسات رژیم شرکت می کردند و بر بسیاری از مردم منطقه روشن است و زیانزد عالم است که نتیجه سوئی علیه انقلاب اسلامی بخصوص در اذهان نسل جوان به بار می آورد.

۱۳- اعزام یک هیأت بازرسی بدون غرض و سوابق ذهنی و رسیدگی

پیوست خلاصه‌ای از بعضی وقایع و پرونده‌های متهمین از قبیل قضات مذکور درنامه، استاندار اسبق گیلان و مسائل جبهه ملی و گروهکها، قضایای بازار رشت و اقدامات ضد انقلابیون اقدامات مردم مسلمان منطقه با همراهی دستگاههای مسؤول، تشکیل شورای اسلامی بازار رشت و تنظیم اسنادهای ایضاً از سوابق عملکرد نامأتوس بعضی از برادران مسؤول استان و... جهت اطلاع تقدیم حضور می‌گردد.

۱- اسنادهای ایضاً از سوابق عملکرد نامأتوس بعضی از برادران مسؤول استان

۲- جهت اطلاع تقدیم حضور می‌گردد.

۳- اسنادهای ایضاً از سوابق عملکرد نامأتوس بعضی از برادران مسؤول استان

۴- اسنادهای ایضاً از سوابق عملکرد نامأتوس بعضی از برادران مسؤول استان

۵- اسنادهای ایضاً از سوابق عملکرد نامأتوس بعضی از برادران مسؤول استان

۶- اسنادهای ایضاً از سوابق عملکرد نامأتوس بعضی از برادران مسؤول استان

۷- اسنادهای ایضاً از سوابق عملکرد نامأتوس بعضی از برادران مسؤول استان

۸- اسنادهای ایضاً از سوابق عملکرد نامأتوس بعضی از برادران مسؤول استان

۹- اسنادهای ایضاً از سوابق عملکرد نامأتوس بعضی از برادران مسؤول استان

۱۰- اسنادهای ایضاً از سوابق عملکرد نامأتوس بعضی از برادران مسؤول استان

۱۱- اسنادهای ایضاً از سوابق عملکرد نامأتوس بعضی از برادران مسؤول استان

۱۲- اسنادهای ایضاً از سوابق عملکرد نامأتوس بعضی از برادران مسؤول استان

۱۳- اسنادهای ایضاً از سوابق عملکرد نامأتوس بعضی از برادران مسؤول استان

۱۴- اسنادهای ایضاً از سوابق عملکرد نامأتوس بعضی از برادران مسؤول استان

۱۵- اسنادهای ایضاً از سوابق عملکرد نامأتوس بعضی از برادران مسؤول استان

۱۶- اسنادهای ایضاً از سوابق عملکرد نامأتوس بعضی از برادران مسؤول استان

۱۷- اسنادهای ایضاً از سوابق عملکرد نامأتوس بعضی از برادران مسؤول استان

۲۱- مطالعه و رسیدگی جدی سوابق کارها و افراد دادگستری استان بخصوص بعضی قضات که اسیاب نارضائی بسیاری می‌باشند و در ایجاد مشکلات برای مردم کوشش محسوس دارند.

۲۲- دستور رسیدگی و بیگیری جگونگی شکل پرونده بعضی از این کشور پهلوی اسنادهای ایضاً از سوابق عملکرد نامأتوس بعضی از برادران حزب الله که اکنون در بازداشت بسر می‌برند.

۲۳- در رابطه با سپاه‌ها و نهادهای انقلاب اسلامی شناسائی ضد انقلابیون کهنه کار و تلاش در کوتاه کردن دستهای مرمز آنها از امور و حسب لزوم پیگیری پرونده‌های آنها.

۲۴- در صورت امکان اعزام یک هیأت معهد و مؤمن به انقلاب اسلامی و خالی الذهن به منطقه و رسیدگی به مسائل مطروحه در تماس با اشاره مختلف و در رابطه با سوابق امور و بالآخره قضاوت منصفانه و رفع مشکلات.

۲۵- مذکور شدن اولیاء امور استان و مأمورین بررسی به تاکیه گستره در هر چه بیشتر فراهم شدن شرایط تحقیق: «وقرواکبارکم، ارجح معاصرکم» تحقیق ضایع نشد و همه خدمتگزاران عاشقانه به خدمات خود ادامه دهند انشاء الله.

در خاتمه ضمن آرزوی توفیقات بیشتر برای همه مسلمین و آن برادر بزرگوار در انجام خدمات همه جانبه برای پیروزی انقلاب اسلامی به

- ۶- حائری فومنی، مصطفی. سخنرانی در مراسم صدمین روز شهادت شهید کریمی، لاهیجان، مسجد گلشاهی، ۷ تیرماه ۱۳۶۵.
- ۷- غائله چهاردهم اسفند ۱۳۵۹، تهران: انتشارات دادگستری جمهوری اسلامی ایران، چاپ اول، ۱۳۶۴، ۹۲۶ ص ص.

- ۸- محفوظی، عباس. سخنرانی در مراسم سومین روز شهادت حاج شیخ ابوالحسن کریمی، لاهیجان، مسجد جامع، ۱۶ فروردین ماه ۱۳۶۵.

کتابنامه این کشور پهناور پژوهی های گوناگون بر سیاست این سازمان فرهنگی انقلاب اسلامی، چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۷۰، جلد اول، ۶۰۱ ص ص.

- ۱- امام خمینی، روح الله. صحیفه نور، تهران: انتشارات سازمان فرهنگی انقلاب اسلامی، چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۷۰، جلد اول، ۶۰۱ ص ص.

- ۲- امام خمینی، روح الله. صحیفه نور، تهران: انتشارات سازمان فرهنگی انقلاب اسلامی، چاپ اول، ۱۳۶۹، جلد بیستم، ۲۷۴ ص ص.

- ۳- امام خمینی، روح الله. صحیفه نور، تهران: انتشارات سازمان فرهنگی انقلاب اسلامی، چاپ اول، ۱۳۶۹، جلد بیست و یکم، ۲۷۴ ص ص.

- ۴- کریمی، ابوالحسن. استوانه های یقین، تهران: انتشارات ستاد مردمی بزرگداشت شهادت مظلومانه سردار حزب الله گیلان شهید ابوالحسن کریمی، چاپ اول، ۱۳۶۷، ۶۴ ص ص.

- ۵- کریمی، ابوالحسن. هشدارهای امام علی به جامعه انقلابی، تهران: انتشارات ستاد مردمی بزرگداشت شهادت مظلومانه سردار حزب الله گیلان، شهید کریمی، چاپ اول، ۱۳۶۶، ۳۲ ص ص.

مطالعات مبارزات اسلامی گیلان

موسسه مطالعات مبارزات اسلامی گیلان

www.rangemian.org

ضمائیم

تاریخ ۱۳۰۹/۱/۱۲
نامه ایضاً
شماره ۱۲۱ / ۳۰
دادستانی کل
انقلاب جمهوری اسلامی ایران
آنوار ابوالحسن کریمی

استان گیلان تبعین می شود ؎ طائف خود را بر طبق
موافقین محرر مقدس اسلام قاطعانه انجام دهد . و در
تامین امور و آشامن صردم شریف محله گویند و
هر اند را به اینجا تسبیح از این راه نمایند .

د استان کل انقلاب جمهوری اسلامی ایران



موسسه مطالعات مبارزات اسلامی گیلان

- ۱- دادرسای انقلاب اسلامی رفت
- ۲- دادرسای انقلاب اسلامی لاهیجان
- آثارا
- هنرها
- لغتبرود
- روشنی
- ۷- لغش برستانهای د استانی کل انقلاب .

ضمائیم

ویژگیهای طبیعی استان گیلان

موقعیت و وسعت

استان گیلان همچون استان مازندران توسعه حصار بلند البرز از پقیه سرزمین ایران جدا گردیده و متعلق به واحد جغرافیایی در جنوب دریای خزر (مازندران) می باشد، که در غربی ترین بخش ساحلی این واحد میان استان آذربایجان شرقی در مغرب و استان مازندران در مشرق و استان زنجان در جنوب واقع شده است.



ضمایم

متن اعلامیه منافقین خلق شاخص گیلان به نقل از کتاب غائله چهاردهم اسفند
با شکستن ماشین و مغازه های شهر وندان آن شهرها از تصرف نیروهای انظامی و پردازان پاسدار
برای مدتی خارج کردند و در همین رابطه منافقین اعلامیه ای صادر کردند که متن آن را در اینجا
به استحضار خوانندگان می رسانیم:

«بنام خدا و بنام خلق قهرمان ایران»

اعلامیه سازمان مجاهدین خلق ایران شاخص گیلان

در رابطه با شهادت خواهر مجاهد سیما صیاغ در مشهورستان لاهیجان.

درین حوصلات گسترش چmacداران و به پشتیبانی ۳ به دستار زیم

جمهوری اسلامی به مغازه و خلق قهرمان لاهیجان، شور انقلابی و کیمی پیرین

نیروهای متوفی نسبت به عوامل ازتاج آشکار گشت و خلق قهرمان لاهیجان پیری

رهائی از اختراق رژیم پا خاستند. نیروهای وایسگرا بنا به ماهیت خداحافظی که

دارند لحظه به لحظه در مقابل نیروهای متوفی و آزادی خواه عصب شنبی کرده تا

چاشی که اکنون حاکمت متعنت به دست کتبه های انقلابی و نیروهای بالند و

توفنه ای قرار گرفته است.

در اینجا خطاب به خلق قهرمان گیلان و بالاخص منطقه لاهیجان هشدارهای

زیر را اعلام می داریم:

۱- نظم محله های شهر باید توضیح گمته های مشترک محلی اداره شود.

۲- تمام کتبه و بازاریان موقوفه شدن با تعیین نوع شغل، میزان سرمایه مدارک

شناسایی خود را به کمیته صنعتی نیروهای مشترک انقلابی معرفی نمایند و تا

اطلاع ثانوی حق باز کردن مغازه های خود را ندارند.

۳- کلیه کادرهای آتشخواهی و پیروزی فعلا به صورت عملی در آمد و تا انتخاب

شورای انقلابی سپرستی و جایگزین معلمین انقلابی، این اداره زیر نظر کمیته

مشترک انقلابی عمل خواهد کرد.

۴- از بخش هر گونه اعلامیه بی دون اجازه کمیته مشترک انقلابی به شدت

جلوگیری خواهد شد.

۵- هر کس بدون داشتن کارت مخصوص نیروهای مشترک انقلابی هرگونه

صلاحی حمل کند بشدت مجاز خواهد شد.

می بایست این چmacداران که ماهیت آنها بر همه خلق آشکار شده است

حامیان ۳ به دست آنها هر چه سریعتر دستگیر و به دادگاه خلق سهده

شوند.

۶- از خلق قهرمان لاهیجان انتظار داریم که شهر را تخلیه کرده تا نیروها

انقلابی بتوانند به حساب ۳ به دستار چmacداران هر چه سریعتر رسیده و منتفعه

را از لوٹ وجود پاسداران پاک سازند.

۷- مرگ بر امیری بالیم و پایگاه داخلی (ازجاع)



ضمایم

www.wamiran.com

ضمانت

لایحه ملکیت این کتاب متعلق به نقل از کتاب عالیه میراث اسلامی است



آقایان کریمی، امینیان و ربیعی در مراسم تشییع پیکر مقدس شهید انصاری ۱۶/۴/۶۰



الهی

امانم دادی تادر گذرگاه عبودیت، ایمان را فریاد کنم. و
در گاهواره‌ای که بنی تو مرا، به فراخوانی، علم فراخواند، علم
ییاموزم.

تو بِر من خواندی: نفخت من روحی، و من بر تو نوید دادم که در
سايه‌بان پرواز فرشتگانست تو را حمد و شناور گوییم و آن شوم که تو
می‌خواهی
عبود من:

حال که در شهر جوانیم، در مکتب اندایش‌هایم، شعر صدق و
صدقافت را برایم معنا کن و سیراب زمزم خلوصم گردان که هماره
تشنه لطف توأم.

موسسه مطالعات مبارزات اسلامی گیلان

W W W . r a n g e i m a n . i r



شابک ۰-۳۰۵۴۰-۹۶۴

ISBN 964 - 90540 - 3 - 0